



تشکيلات دخترانه

دفتر اول

تجربيات جذب و
ورودی های جدید

کالک؛ سامانه جامع مدیریت تشکل های دانشجویی



تشکیلات دخترانه (دفتر اول)

تجربیات جذاب

وورودی های جدید



فهرست مطالب

- ۴ مقدمه
- ۴ غرفه استقبال از ورودی های جدید
- ۴ میز استقبال و یادبودهای کاربردی (الزهره):
- ۶ زیبا سازی غرفه و ارائه عکس از فعالیت های بسیج خواهران در قالبی هنری (آزاد کرج):
- ۷ اقدامات و برنامه های غرفه (چمران اهواز):
- ۷ یادبودهای دست ساز دخترانه (ملی قم):
- ۸ پذیرایی و گل در ستاد استقبال (آزاد اهواز):
- ۹ عکاسی در روز اول و تحویل عکس (آزاد اهواز):
- ۹ نشریه ورودی های جدید
- ۹ نشریه ورودی های جدید (علم و صنعت):
- ۱۰ مخاطب شناسی
- ۱۰ تقسیم مخاطبان به سه دسته (شاهد):
- ۱۱ بعد از شناسایی افراد وارد دوره آموزشی میشوند (علوم فنون خرمشهر):
- ۱۲ برنامه به سبک جشن
- ۱۲ برنامه دخترانه با فضا سازی و یادبود دخترانه (آزاد لرستان):
- ۱۳ جشن در کافه (بهشتی):
- ۱۴ حمایت از دانشجویان
- ۱۴ حمایت همه جانبه (خوارزمی):
- ۱۵ پیگیری مطالبات دانشجویی (ملی ارومیه):
- ۱۶ حمایت درسی با استاد حل تمرین بسیجی (عباسپور):
- ۱۶ برنامه راه مهندسی (شریف):
- ۱۹ اردوهای یک روزه
- ۱۹ قزوین گردی (آزاد قزوین):
- ۲۰ تجربه خوب تلفیق اردوی گردشگری و زیارتی (چمران اهواز):

- ۲۱ اردوهای چند روزد. ❧
- ۲۱ اردوی مشهد ورودی‌ها (الزهره). ❧
- ۲۹ اردوهای شبیه تشکیلاتی. ❧
- ۲۹ دانشگاه شهید بهشتی. ❧
- ۳۰ دانشگاه ملی گیلان. ❧



📖 مقدمه

موضوعی که هر سال برای تشکل های دانشجویی اهمیت پیدا میکند بحث ارتباط گیری با دانشجویان ورودی جدید است. این دانشجویان به سبب اینکه در بدو ورود نیازهایی دارند به دنبال مرجعی برای یافتن راهکار می گردند.

به همین دلیل برنامه های متعددی در ابتدای سال برای این دانشجویان تازه وارد چیده میشود. اما آنچه اکنون مد نظر است این است که در بین همه اقدامات، آیا لازم است برای دانشجویان دختر برنامه ریزی جداگانه ای داشت؟ اگر پاسخ مثبت است این برنامه ریزی به چه صورت باید باشد؟

خواسته های دختران در ابتدای سال با خواسته های پسران یکسان است؟ دختران چه اقتضائاتی دارند؟

اینها سوالاتی است که احتمالاً در ذهن واحد خواهران تشکل ها نقش می بندد.

در جزوه پیش رو تعدادی از تجربیات خوب دانشگاه ها در زمینه کار ویژه برای دختران جدیدالورود گنجانده شده است تا هم به بخشی از سوالات تشکل ها در مورد این جنس فعالیت ها پاسخ داده شود و هم منبع ایده ای باشد برای برنامه های یک تشکل در ابتدای سال تحصیلی.

📖 غرفه استقبال از ورودی های جدید

میز استقبال و یادبودهای کاربردی (الزهر):

در روز ثبت نام ورودی های جدید برنامه ای داریم به شکل میز استقبال. این البته برنامه خود دانشگاه است و خود دانشگاه میخواهد که تشکل ها در روز ثبت نام ورودی ها حضور داشته باشند و خود را معرفی کنند و ارتباط بگیرند. در واقع بهترین زمان ارتباط گیری هم همان ابتدای ورود دانشجویان به دانشگاه است، چون وقتی مدتی از ورودشان به دانشگاه بگذرد بچه ها گروه های دوستی خود را تشکیل داده اند و دیگر ارتباط گرفتن با آنها سخت میشود. به همین دلیل هم هست که ما اردوی مشهد ویژه ورودی های جدید را در ابتدای سال یعنی اواسط یا اواخر مهر برگزار میکنیم که تاریخ دقیق بستگی به زمان اربعین دارد. (در سالهای اخیر با توجه به تقارن ایام اربعین با ابتدای سال تحصیلی تعیین زمان اردوی مشهد به زمان اربعین وابسته است. هم برای اینکه دانشجویان بیشتری بتوانند شرکت کنند و نگران غیبت ها نباشند هم برای حضور اعضای کادر)

ما میز استقبال را برای تبلیغ برنامه ها و معرفی خودمان و ثبت نام اردو دایر میکنیم. از بین دانشجویان، خود دانشجویان مذهبی به ما مراجعه میکنند، برخی هم خانواده هایشان علاقه دارند بچه ها با ما ارتباط بگیرند. حتی مواردی داشته ایم که پدر یا مادر شماره دخترش را میدهد تا ما با او تماس بگیریم و ارتباط داشته باشیم و او را وارد بسیج کنیم. این به سبب اعتمادی است که خانواده ها نسبت به بسیج دارند. به علاوه خود ما هم بین خانواده ها اعتماد سازی میکنیم. مثلاً با والدین بچه ها صحبت میکنیم، فضای دانشگاه را تشریح میکنیم، بعضی از خانواده ها استرس حضور بچه هایشان در اردو و دوری چند روزه آنها را دارند. مثلاً میگویند فرزند ما تا به حال بدون ما مسافرت نرفته و این مسائل. با آنها صحبت میکنیم، فضای اردوی را کاملاً توضیح میدهم. میگوییم که چندین سال است این برنامه را داریم و مشکلی پیش نیامده، میگوییم حراست دانشگاه در اردو

حضور دارد و بعلاوه سایر کارهای بسیج را توضیح میدهم. خانواده‌ها در نگاه اول می‌توانند اعتماد کنند و خاطرشان جمع میشود. وقتی میبینند دانشجوی بسیجی هم فعالیت میکند هم اخلاق خوبی دارد هم به درس اهمیت میدهد به علاوه چون از در صداقت و روراستی وارد میشویم آنها هم قبول میکنند و اعتماد میکنند.

وقتی خانواده‌ها خودشان راضی باشند که فرزندشان در بسیج فعالیت کند، در آینده هم همکاری بیشتری با بسیج و فرزند خودشان درباره فعالیت‌های بسیج خواهند داشت.

در ارتباط گیری با دانشجویان، ما دو دسته مخاطب داریم. یکی ورودی‌های خوابگاهی و یکی هم تهرانی‌ها. چون در بین ورودی‌ها به صورت پراکنده خوابگاهی‌ها هم حضور دارند در چینش نیروها پشت میزهای استقبال از اعضای بسیج که خوابگاهی هستند استفاده میکنیم تا وقتی یک مخاطب مراجعه کرد، چه خوابگاهی باشد و چه نباشد بتواند جواب سوالات خود را دریافت کند.

وقتی با ورودی‌های خوابگاهی مواجه میشویم از آنها می‌پرسیم که از کجا آمدی؟ چقدر در راه بوده‌اید؟ مثلاً با من همسهری هستی و ... خسته‌ای؟ ناهار خورده‌اید؟ اگر نیاز به استراحت دارید در دفتر حوزه بسیج میتوانید استراحت کنید با خانواده و از این دست سوالات و مطالب. یا اگر دانشجویی که مراجعه می‌کند تهرانی باشد می‌پرسیم از کدام محله می‌آید و آیا بهترین مسیر دسترسی به دانشگاه را میدانند یا نه و اگر هم مسیر با بچه‌های بسیج باشد با هم قرار می‌گذاریم که برویم بیاییم. به این شکل بچه‌ها با کادر استقبال احساس صمیمیت بیشتری میکنند و ارتباط خوبی میگیرند.

میزهای استقبال در ورودی ساختمان ثبت نام گذاشته میشود و بچه‌ها مراجعه میکنند. روی این میز بروشوری میدهم که بخشی از آن نمای دانشگاه از بالاست و محل دانشکده‌ها و سلف و کتابخانه و بخش‌های اداری مشخص شده است. بعلاوه یک متن طنز که بچه‌ها خوششان بیاید و همینطور آدرس کانال بسیج و دو سه تا شماره از بچه‌های بسیج که هر جا نیاز باشد ورودی‌ها میتوانند با آنها تماس بگیرند و مشکل خود را حل کنند. یک متن دیگر هم در این بروشور هست که متناسب با فضای زمانی مثلاً اربعین، محرم و این‌طور مناسب‌ها نوشته میشود. یک متن درد دل دانشجویی هم داریم. بجز این میز استقبال بعضی از اعضای کادر بسیج هم در دانشگاه می‌چرخند و با دانشجویان ارتباط میگیرند.

برای ارتباط گیری یک طرح علمی هم داریم. بچه‌ها سوالات علمی و صنفی زیادی دارند. بعضی‌ها رشته خودشان را دوست ندارند و بعضی‌ها هم علاقه دارند ولی نمی‌دانند چه کار باید بکنند. اگر این مسائل برایشان حل نشود و کسی آنها را همراهی نکند در دانشگاه اذیت میشود و همان ابتدا فضای دانشگاه را فضای کسل‌کننده‌ای می‌بیند و نهایتاً دلسرد میشود. بزرگترین نیاز دانشجو پاسخ همین سوالات و دانستن است. آنقدر بچه‌ها گنگ اند و ابهام دارند که اولین ارتباط را قبول میکنند و باید از این فرصت استفاده کرد.

بچه‌ها دغدغه زیادی دارند که در دانشگاه چه باید بکنند. چون تجربه ندارند مثلاً همان ابتدای سال هر کتابی که استاد معرفی کند را می‌خرند. ما برای همین معضل طرح وقف کتاب در گردش را گذاشتیم. هر کس به کتاب‌های درسی اش نیاز نداشته باشد آن را در بسیج میگذارد و به بچه‌ها میگوییم که این کتاب‌ها در بسیج

هست و نیاز نیست نگران باشند یا بخواهند هزینه زیادی صرف کنند. در این ارتباط ها ما قلق های برخی اساتید، شرایط غیبت ها و ... را میگوییم و خلاصه نیازهایشان را رفع می‌کنیم.

کاری که ما در مرحله ارتباط گیری اول با بچه ها انجام می‌دهیم هم کار خاصی نیست. فقط درد دل و ارتباط ساده، به آنها شماره می‌دهیم تا اگر مشکلی برایشان پیش آمد تماس بگیرند. مثلا بچه های خوابگاهی تماس میگیرند و ما یکی از نیروهایمان را می‌فرستیم و مشککش را حل می‌کنیم.

ما یک سری حلقه برای دانشجویان داریم. که متناسب با نیاز بچه هاست. فردی که وارد میشود بنا به نیازها و اینکه قرار است چه چیزی یاد بگیرد وارد این حلقه ها میشود.

در میزهای استقبال یک کار دیگری که می‌کنیم یادگاری دادن است. یادگاری برای پسرها خیلی مهم نیست ولی برای دختران جذاب است. اینکه یک چیز جذاب و زیبا و کوچک به بچه ها بدهیم برایشان یادگاری میماند. این یادگاری باید چیزی باشد که بچه ها با آن راحت ارتباط بگیرند و دوستش داشته باشند بعلاوه اگر وسیله ای انتخاب کنیم که خیلی هم زیبا باشد ولی مناسب با نیاز یک فرد نباشد، ابتدا برایش جذابیت دارد اما بعد از مدتی آن را کنار میگذارد چون کاربردی برایش ندارد. ما میخواستیم چیزی به دانشجو بدهیم که مدام آن را ببیند و یاد زمانی که آن هدیه را گرفته بیفتد. ما چیزی را میخواستیم که نماد اتحاد بچه هایی که به بسیج مراجعه کردند باشد. این خودش یک جذابیت تشکیلاتی ایجاد میکند و یک تبلیغات مداوم است.

ما برای این کار برچسب گوشی طراحی کردیم. چون دیدیم هم چیز قشنگی است، هم جذاب است، اکثر بچه ها هم دوست دارند گوشی شان ساده نباشد و یک زینتی داشته باشد بعلاوه برچسب گوشی چیزی است که مدام دیده میشود. به همین دلیل این برچسب ها را طراحی کردیم. میخواستیم برای هر رشته جداگانه درست کنیم مثلا فیزیکدان، وکیل و ... که از نظر هویت دانشجویی هم برای دانشجویان جذاب است اما خیلی هزینه اش زیاد میشد و تصمیم گرفتیم هویت دانشجویی دانشگاه الزهرا را در برچسب ها داشته باشیم. عباراتی استفاده کردیم مثل دانشجوی فعال دانشگاه الزهرا و دانشجویی موفق دانشگاه الزهرا و از این قبیل. برای طراحی هم از رنگ صورتی و طرح های گل گلی استفاده کردیم که جذاب تر شود. میدیدیم که بچه ها حتی تا ترم ۴ و ۵ هم از این یادگاری ها استفاده میکنند و دوستش دارند و این برای ما خیلی جذاب بود و حس خوبی داشت.

زیبا سازی غرفه و ارائه عکس از فعالیت های بسیج خواهران در قالبی هنری (آزاد کرج):

ما امسال ستاد استقبال داشتیم. در روز جشن ورود دانشجویان جدید به دانشگاه یک غرفه برپا کردیم با کمک دانشگاه و در بخشی که مربوط به خواهران بود غرفه را به شکل جذاب و دخترانه سعی کردیم تزئین کنیم تا به این شکل با ورودی ها بهتر ارتباط بگیریم به علاوه بتوانیم دانشجویان را برای وضعیت دانشگاه و مراحل ثبت نام راهنمایی کنیم

بنرهای گل گلی دور تا دور غرفه زدیم و سردر غرفه روی بنر نوشته شده بود "هم شاگردی سلام". میز جلوی غرفه را با حریر و ساتن و گل های ریز و درشت مصنوعی تزئین کرده بودیم

داخل غرفه یک نوار چندمتری نکاتیو که تصاویر فعالیت های سال گذشته بسیج بود را سرتاسر و دورتادور غرفه به طور نامرتب زده بودیم تا دانشجو جذب شود و برای دیدن تصاویر به سمت غرفه بیاید این تصاویر شامل فعالیت های جهادی و اردویی و فرهنگی و سه شنبه های مهدوی و بودند.

برای برشور معرفی بسیج از مدلی که سال قبل داشتیم استفاده کردیم و چون کار آماده داشتیم باقی وقت خود را صرف تهیه کارت پستال برای دانشجویهای ورودی کردیم

مقوایی را به قطر کارت پستال برش دادیم که وقتی دانشجو کارت را باز میکرد داخل آن خوش آمدگویی کوتاه و رنگی و دخترانه و دوستانه نوشته بودیم.

روی کارت پستال عکس کتاب فارسی سال اول دبستان بود اما آن شکل کتاب و گل و.. عکس یا طراحی نبود بلکه خودمان با نمد درست کرده بودیم

همینطور در این غرفه بلیط فروشی اکران خصوصی تنگه ابوغریب را داشتیم برای ورودی ها با تخفیف بیشتر ۲هزار تومان و برای سایر دانشجویها ۵هزارتومان که استقبال بی نظیری شد.

اقدامات و برنامه های غرفه (چمران اهواز):

برای ارتباط گیری بیشتر با بچه ها غرفه استقبال از ورودی های جدید برگزار میشود.

چون دانشگاه بزرگ است و ۱۰ دانشکده داریم یک مسئول استقبال کلی و یک جانشین اجرایی برای خوابگاه تعیین میکنیم. تابستان در هر دانشکده هم هرمسئول پایگاه یک مسئول استقبال معرفی میکند. به این افراد نکات مربوط به جذب و و ثبت نام و برخورد با ورودی ها را آموزش میدهم.

آماده سازی غرفه های استقبال توسط اعضای بسیج انجام میشود تا هم هزینه ها کمتر شود و هم خلایق بیشتری به کار برده شود و هم دخترانه تر باشد. مثلا خودمان با کاغذ کشی گل درست میکنیم.

در غرفه ها شرایط معرفی بسیج نیست و سال های قبل بازخورد خوبی از معرفی بسیج ندیدیم. هدف از برگزاری غرفه ارتباط گیری و دوست شدن با بچه ها و کمک به آن هاست.

چون مخاطب را نمیشناسیم ترجیح میدهم در وهله ی اول بیشتر نام نشریه را معرفی کنیم و با افراد ارتباط برقرار کنیم و آشنا شویم، اثر ارتباط گیری و شناخت خیلی بیشتر از نشریه است. بعد از ارتباط گیری ورودی ها بیشتر سوالاتشان را از بچه های بسیج میپرسند تا آموزش. در واقع نشریه بهانه ای برای آشنایی است.

ما هر سال هم نشریه ی ویژه ی ورودی ها نمیدهیم. چون دانشجو که وارد دانشگاه میشود انقد برگه دارد که نشریه بین آن ها گم میشود.

یادبودهای دست ساز دخترانه(ملی قم):

در آغاز سال تحصیلی همه ی دانشکده ها در ورودی دانشگاه غرفه دارند. زمان و مکان این برنامه توسط دانشگاه مشخص میشود. در این غرفه ها سعی میکنیم اعضای پایگاه هر دانشکده با ورودی ها آشنا شوند و ارتباط بگیرند و برای جذاب تر شدن این رابطه از هدایایی ضمن کار استفاده میکنیم

دوسال قبل در غرفه گل سرخ طبیعی میدادیم اما امسال چون هزینه ی زیادی داشت و ماندگاری هم نداشت گل کاغذی دادیم. به هر گل یه کاغذ وصل کردیم که روی آن آدرس پایگاه بود و یک کارت که یک طرف آن آدرس کانال و سمت دیگر آن سخنی از حضرت آقا بود.

بچه ها استقبال میکردند و پیگیر بودند که حتما گل بگیرند. علاوه بر این در غرفه فعالیت های بسیج هم ارائه میشد.

این ویژه دختران بود و متناسب با روحیه دختران انتخاب شده بود و ممکن است که آقایان استقبال نکنند. بعضی اصول با برادران و کل مجموعه یکی است. مثلا همه جذب داریم و غرفه استقبال از ورودی ها داریم ولی در انتخاب محتوا و شکل کار در غرفه بنا بر روحیات یک خانم محتوایی را در نظر می گیریم.

در غرفه استقبال بسیج را به دانشجویان معرفی می کنیم. گزارشی از فعالیت های بسیج به آنها می دهیم. امسال ۷۰۰ گل کاغذی درست کردیم که خیلی استقبال کردند به نظر من بالاترین آمار جذب، در " ستاد استقبال " بود که از ۸۰۰ نفر مخاطب، حدود ۲۷۰ ثبت نام داخل غرفه داشتیم.

در روز برپایی غرفه ها افراد بسیج به دو دسته تقسیم شدند. یک سری از بچه ها داخل غرفه بودند و یه سری پراکنده بودند و به سوالات بچه ها و خانواده ها جواب میدادند و راجع به خوابگاه اطلاعاتی میدادند که خانواده ها استقبال میکردند.

نقطه ضعف کار ما این بود که زمان برگزاری غرفه را به ما دیر اطلاع دادند و به همین دلیل فضا سازی ضعیف بود.

پذیرایی و گل در ستاد استقبال (آزاد اهواز):

برای ارتباط گیری با ورودی های جدید یک ستاد استقبال تشکیل دادیم. غرفه هایی با موضوعات مختلف برپا کردیم. غرفه عکاسی و نوشت افزار داشتیم. یک غرفه مختص بانوان داشتیم البته فضا بسته نبود ولی آقایان حق ورود نداشتند. یک غرفه هم برپا کردیم که در آنجا ثبت نام اردوهای جهادی و کلاس های آموزش فتوشاپ و عکاسی انجام میشد

کلاس ها به دلایلی چون "تامین منابع مالی، عدم هماهنگی با اساتید مربوطه، تداخل برنامه ی برا اعضا کادراجرایی" برگزار نشد اما زیرساخت های آن مهیا است تا در دوره ی جدید حوزه برپا شود.

پذیرایی روز اول با گل هلندی و کیک و شربت بود که بسیار آن گل ها مورد استقبال قرار گرفت طوری که برای روزهای آتی دانشجویها به دفتر یا غرفه مراجعه می کردند برای گرفتن گل

در روزهای آینده پذیرایی فقط با شربت و کیک بود با پخش مولودی به مناسبت میلاد پیامبر و امام جعفر صادق (علیه السلام)

خود مسئول در غرفه ها حضور داشتند و سرکشی می کردند و کمک نیروها بودند.

عکاسی در روز اول و تحویل عکس (آزاد اهواز):

در مشورت با اعضای کادر بسیج تصمیم گرفتیم برای دادن هدیه به دختران از طرف بسیج در روز ورود به دانشگاه عکسی از خودشان را با جمله "اهدایی از طرف بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد اهواز" تقدیم کنیم. این برنامه را فقط برای دختران دانشجو داشتیم (هم ورودی های جدید و هم قدیمی ترها) و عکاس هم دو تا از دانشجویهای دختر دانشگاه خودمان بودند.

بیرون غرفه عکاسی یک بنر نصب کردیم با عکس یک دوربین و سه پایه و سردر غرفه نوشته بودیم غرفه عکاسی. داخل غرفه یک بنر سفید انداخته بودیم که عکاس بعد از ثبت عکس با فتوشاپ پشت صحنه را طراحی میکرد.

در این برنامه تمام پشتیبانی های لازم برای برپایی غرفه بر عهده برادران بود ولی بعد از گرفتن عکس ها خودم به عنوان مسئول خواهران، عکس ها را برای چاپ بردم. عکس های چاپ شده در دفتر بسیج دانشگاه بود تا به صاحبان عکس اهدا شود. به افرادی که عکس گرفته بودند اطلاع دادیم که برای تحویل عکس ها به بسیج مراجعه کنند. اما از بین این افراد هنوز چند نفری برای تحویل عکس نیامده اند که آن ها هم یا مهمان دانشگاه بودند یا فارغ التحصیل شدند و فرصت نکردند برای گرفتن عکس خود به دفتر بسیج مراجعه کنند. اما با صاحبان همه عکس ها تماس گرفتیم تا عکس را به آنها تحویل دهیم و یا برایشان ارسال کنیم که این کار همچنان ادامه هم دارد.

نهایتا میتوان گفت استقبال از غرفه عکاسی بسیار خوب و عالی و پر شور بود.

🔗 نشریه ورودی های جدید**نشریه ورودی های جدید (علم و صنعت):**

بسیج خواهران علم و صنعت نشریه ای به نام رویش نو دارد که هر سال به صورت دو هفته نامه با مقاله هایی از خواهران بسیج منتشر میشود. در زمان های خاص این نشریه با عنوان ویژه نامه انتشار پیدا میکند. در ابتدای سال با توجه به ورود دانشجویهای جدید، زمان مناسبی است برای ارائه یک نشریه ویژه ورودی ها. این نشریه در سالهایی در اردوی معارفه توزیع شده است و در سالهایی مثل سایر نشریات در سلف و مسجد. با توجه به اینکه دانشگاه علم و صنعت نشریات زیادی دارد، یک مواجهه خوب با فضای نشریاتی دانشگاه آن هم با یک ویژه نامه خوب از رویش (که در ظاهر نشانی از بسیج ندارد) ایده خوبی است که تقریبا هر ساله اجرا میشود.

تعدادی از تجربیات برای این ویژه نامه ذکر میشود

یک سال صفحه جلد نشریه این جمله به صورت کشیده نوشته شده بود: برای شما که تازه به جمع ما علم و صنعتی ها پیوستید. و روی کلمه "ما" یک اثر انگشت. با این مفهوم که این ما هر مایی نیست و هویت دارد. این اثر انگشت در پایین ت مام صفحات نشریه تکرار شده بود

به طور کلی سعی میشود مقاله های این نشریه جذاب تر و مخاطب پسند تر از سایر شماره ها باشد و حاوی راهنمایی ها و اطلاعات کلی درباره فضای دانشجویی دانشگاه باشد

مثلا در یک مقاله به صورت طنز به اهمیت درس خواندن اشاره میشود

یا معمولا یک مقاله با عنوان دانشجو نباید سیب زمینی باشد هر سال در نشریه هست و در این مقاله از دانشجو خواسته میشود که تک بعدی و فقط علمی بار نیاید و در دانشگاه به دنبال تجربه ها و رشد های دیگر اجتماعی هم باشد

گاهی هم در این ویژه نامه بسیج معرفی میشود. گاهی به صورت جدی و ساختاری و با گزارش از عملکرد سالهای گذشته و گاهی هم به صورت دوستانه تر

سبک زندگی دانشجویی هم از دیگر موضوعاتی است که در نشریه به آن توجه میشود. مثلا سبک پوشش در دانشگاه های کشور های دیگر در برخی سال ها جزو تیتراهای اصلی نشریه بوده است.

به طور کلی میتوان گفت استقبال از این نشریه خوب است. اما چون راه بازخورد گیری دقیقی برای نشریات در دانشگاه موجود نیست گزارش دقیقی از این مسئله نمی توان داد.

🔗 مخاطب شناسی

تقسیم مخاطبان به سه دسته (شاهد):

ما در روز ثبت نام ورودی های جدید غرفه های ستاد استقبال داشتیم. در این غرفه ها یک پذیرایی مختصری میشد و بچه ها برای ثبت نام راهنمایی میشدند. (راهنمایی در مورد آدرس های دانشگاه، ثبت نام در کتابخانه و اینطور مسائل) اما مطلبی که در این غرفه ها برای ما خیلی مهم است بحث مخاطب شناسی است. در غرفه تعدادی از کادر حضور پیدا میکنند، یک یا دو نفر از این کادر فقط و فقط کارش شناخت مخاطبان است. شاید هیچ حرفی هم با دانشجو نزنند و ارتباط خاصی هم برقرار نکنند، مثلا یک نفر دیگر هدیه ورودی را بدهد اما به خوبی به رفتار افراد دقت میکند و وقتی به غرفه بسیج مراجعه میکنند، نام شان و شماره تماسشان را میگیرد (یا توسط بقیه افراد حاضر در غرفه نام و شماره گرفته میشود) و در یک لیست مینویسد و به آنها نمره میدهد. کسانی که تمایلی به حضور در بسیج ندارند نمره ۱، کسانی که دغدغه مندند و از ابتدا دنبال فعالیت و عضویت اند نمره ۳ و مخاطبانی که بین این دو گروه هستند نمره ۲ میگیرند. اینکه چگونه مسئول مخاطب شناسی این مسائل را تشخیص میدهد هم به تجربه او بستگی دارد و هم اینکه یک سری رفتار های دانشجویان مشخص است. مثلا در کنار غرفه ما غرفه تشکل های دیگر هم هست، یک وقتی می بینیم یک نفر آمده فقط از پذیرایی غرفه ها استفاده میکند، به همه غرفه ها می رود و ... اما یک وقتی فردی می آید و با انگیزه تقاضای عضویت در بسیج دارد. یک اقدام دیگری که ما میکنیم این است که یک سری غرفه یا میز استقبال هم در دانشکده ها داریم. دانشجویان وقتی از جلوی غرفه کلی دانشگاه رد میشوند به دانشکده ها راهنمایی میشوند. در دانشکده هم ما این افراد برای ارتباط گیری، کمک به دانشجو(در زمینه انتخاب واحد و ...) و مخاطب شناسی را داریم و به این شکل یک بار هم دانشجو در دانشکده اصطلاحا آنالیز میشود. بعدا نتایج این مخاطب

شناسی‌های افراد مختلف کنار هم قرار داده میشود. گاهی هر دو نفری که یک دانشجو را سنجیده‌اند نمره یکسانی به او داده‌اند و گاهی این نمرات متفاوت است که در این صورت نیاز به شناخت بیشتری از فرد وجود دارد.

این افرادی که کارشان مخاطب‌شناسی است ذیل واحد جذب که خودش زیر مجموعه آموزش است فعالیت دارند و این اطلاعات مخاطبان از قبیل اسم و تلفن و مشخصات رفتاری و روحیات فقط و فقط در دست مسئول جذب است و جای دیگری پیدا نمیشود. کاملاً محرمانه است و هر زمان نیاز باشد با توجه به روحیات افراد مختلف برنامه‌های متعددی چیده میشود. کار این واحد جذب فقط به روز ثبت نام ختم نمیشود و در همه برنامه‌ها این مسئولین مخاطب‌شناسی بین مخاطبان حضور دارند و وظیفه خود را انجام می‌دهند.

در ضمن در واحد جذب تربیت نیرو هم اتفاق می‌افتد چون به‌رحال بعد از مدتی مسئول جذب باید تغییر کند و نفر جدیدی به جای او حضور پیدا کند.

بعد از این مخاطب‌شناسی و بعد از مدت کوتاهی از شروع ترم بچه‌های ورودی را به یک اردو می‌بریم مثلاً اردوی قم. در این اردو حلقه‌های صالحین را معرفی میکنیم، از فعالیت‌هایمان می‌گوییم، خیلی کم از نکات تشکیلاتی حرف می‌زنیم و آنجا معلوم میشود که هر کس کجای کار قرار می‌گیرد. حتی چه کسی بسیج می‌آید و چه کسی انجمن میرود.

این تقسیم‌بندی مخاطب‌آثار زیادی دارد. اینکه ما میتوانیم برنامه‌هایی در سطوح مختلف برای دانشجویان داشته باشیم که هیچ‌یک از برنامه‌ها برای مخاطب خودش کسالت آور یا از طرف دیگر سنگین نباشد.

بعد از این شناسایی‌ها و بعد از اینکه بچه‌ها وارد حلقه‌های مشخص شدند، استعداد‌هایشان شناخته میشود، بنابراین دانشجویان علاوه بر اینکه در برنامه‌ریزی‌های خاص لحاظ میشوند، میتوان برای ورودشان در بخش‌های مختلف بسیج هم تصمیم‌گیری کرد.

مثلاً اردوی راهیان نور اردویی است که خیلی از بچه‌ها میخواهند در آن فعالیت کنند. بچه‌ها را در مسئولیت‌های مختلف این اردو می‌چینیم با توجه به سطح اولیه‌شان و استعدادی که دارند.

مثلاً یک نفر را میخواهیم مسئول تدارکات در اتوبوس بگذاریم، خوب قطعاً برای ما بهتر است که فردی را انتخاب کنیم که منفعل نباشد که اگر بحثی در اتوبوس پیش آمد بتواند پاسخ بدهد و در بحث شرکت کند.

یکی از نقاط منفی ستاد استقبال امسال، این بود که ستاد استقبال بلافاصله بعد از اردوی تشکیلاتی برگزار شد و ما خیلی فرصتی برای برنامه‌ریزی‌تزیین یا یادبود خاص در غرفه نداشتیم فقط توانستیم یک کلیپ آماده کنیم از گزارش فعالیت‌های قبلی‌مان که در غرفه نمایش بدهیم. از سال بعد ان شاء الله تصمیم داریم این اقدامات مورد نیاز برای غرفه را از قبل اردوی تشکیلاتی انجام دهیم که به مشکل نخوریم.

بعد از شناسایی افراد وارد دوره آموزشی میشوند (علوم فنون خرمشهر):

بچه‌ها وقتی وارد دانشگاه میشوند کادر بسیج در دانشکده‌های مختلف سازماندهی میشوند و آنها را راهنمایی میکنند و با آنها همراهی میکنند و کلاس‌سیستم بچه‌ها این‌ها را همراهی می‌کنند با بیان خوب و

رفتار خوب که ثبت نام شان را انجام دهند و قسمت های مختلف دانشگاه را به آنها نشان می دهند. اعضای بسیج در بین بچه ها شناخته می شوند بچه های جدید و ورود هر وقت که مشکلی برای آنها پیش بیاید یا سوالی داشته باشند به این افراد شاخص مراجعه میکنند ما بچه ها را گلچین میکنیم یعنی یک جلسه می گیریم از آنها می پرسیم که چه کسانی بیشتر به این کارها و فعالیت های تشکیلاتی علاقه مند بودند اسامی را لیست می کنیم و برای آنها و در یک زمان مناسبی برای بچه ها دوره برگزار می کنیم در طول ترم بچه ها را دعوت میکنیم به دفتر بسیج و آنها را با بسیج و دفتر بسیج آشنا می کنیم و در مورد فعالیتهای بسیج و برنامه های مختلفی که بسیج برگزار می کند صحبت می کنیم و سپس آنها را وارد دوره های آموزشی و... می کنیم

ما این سازماندهی مخاطبان را از طریق سرگروه های موضوعی انجام میدهیم. مثلاً مسئول سیاسی، فرهنگی و ... مخاطب را میشناسند و در جای مناسب دسته بندی میکنند

این سازماندهی و این دقت در مخاطب شناسی برای تشخیص علایق و جای گذاری مناسب افراد لازم است. گاهی پیش می آید که مثلاً در ابتدای سال ۵ نفر برای حضور در واحد سیاسی تمایل نشان میدهند ولی فقط ۵ نفر آنها می مانند. ۱۰ نفر دیگر را همان سرگروه سیاسی شناخت پیدا میکند و متوجه میشود علاقه و استعداد او مثلاً بیشتر فرهنگی است تا سیاسی، به همین شکل آنها را به سرگروه تیم فرهنگی معرفی میکند تا هر کس در جایگاه مناسب خود مشغول به فعالیت باشد.

استفاده دیگری که از این تقسیم بندی بچه ها میکنیم این است که اگر تشکل های دیگر دانشگاه مثلاً انجمن مستقل یا کانون ها به نیرو نیاز داشته باشند، نیرویی که یک یا دو ترم در بسیج تربیت شده را با همین دسته بندی به کانون های دیگر سوق میدهیم. البته اگر خود نیرو هم این تمایل را داشته باشد که آنجا فعالیت کند.

تفکر من به عنوان مسئول خواهران این است که بسیج در دانشگاه مثل یک مادر است. در بسیج به روی همه باز است. مانتویی، چادری، مذهبی و غیر مذهبی برایش فرقی ندارد. اما در دادن مسئولیت های اصلی خیلی دقت میکنیم. چون فردی که به عنوان بسیجی شناخته میشود خیلی در چشم دیگران می آید یعنی کوچکترین رفتار او برای دیگران مهم است. ما همه مسائل از جمله اخلاق، پوشش و ... را در نظر میگیریم و بعد مسئولیت اصلی به بچه ها میدهیم. از ابتدای سال هر نیرویی که وارد بسیج شده را به عنوان کادر یا معاون انتخاب کرده ایم و صبر میکنیم تا تابستان که بچه ها در دوره ها شرکت کنند و تربیت شوند و بعد بنا به صلاحدید مسئولیت اصلی به آنها سپرده شود.

🔗 برنامه به سبک جشن

برنامه دخترانه با فضا سازی و یادبود دخترانه (آزاد لرستان):

برای جذب بچه های ورودی یک برنامه کاملاً دخترانه برگزار کردیم که کلاً ویژه خواهران بود. در این برنامه بخش های جذابی را گنجانده بودیم. برنامه مصادف با میلاد حضرت زهرا سلام الله علیها برگزار شد. ورودی ها را که قبلاً در ستاد استقبال با آنها ارتباط گرفته بودیم و در برنامه جدید هم ارتباط گیری ادامه داشت و جذب هم اتفاق افتاد. برای این برنامه کلاً سالن را با رنگ صورتی فضا سازی کردیم از بادکنک و روبان صورتی

سفید برای تزئین استفاده کردیم و خود اعضای کادر هم همگی صورتی پوشیده بودند. در هنگام ورود به سالن با یک شاخه گل از بچه‌ها استقبال کردیم. برنامه‌ها شامل سخنرانی بود که از خانم فرزانه از اساتید استانی دعوت کردیم تا مسائل اجتماعی روز و آسیب‌ها و فرصت‌های دانشگاه برای دختران را بررسی کنند و ارائه دهند، مولودی خوانی، مسابقه مشاعره و صندلی بازی هم از سایر بخش‌های این برنامه بود که اتفاقاً بچه‌ها هم خیلی استقبال کردند.

میخواستیم برای این برنامه از یک گروه تئاتری که خانم باشند هم دعوت کنیم که متأسفانه هماهنگ نشد.

جشن در کافه (بهشتی):

برای این برنامه به مدت ۱۰ روز کافه دانشگاه را خواهران در اختیار میگیریم و در ستاد استقبال بچه‌های ورودی را به این برنامه دعوت میکنیم و به اطلاعشان میرسانیم.

این کافه در دانشگاه بهشتی یک فضای خوب و جذابی است و محیطی فرهنگی و ادبی دارد. در این ۰ روز هر روز را به یکی از دانشکده‌ها و دانشجویانش اختصاص میدهیم. هر دانشکده با کادر بسیج پایگاه خود و دانشجویان ورودی در روز خود از کافه استفاده میکنند و کادر بسیج با دانشجویان ارتباط میگیرند و فضای صمیمانه‌ای را ایجاد میکنند. در این برنامه بجز فرم‌های ثبت نام معمولی فرم‌هایی را هم خود اعضای خواهران طراحی کرده بودند با این عناوین که: من در زمینه فلان استعداد دارم یا انگیزه و دغدغه دارم یا در فلان زمینه‌ها تجربه دارم. این فرم‌ها توسط دانشجویان پر میشود.

این برنامه نسبت به برنامه اردویی سالهای گذشته نتیجه بهتری داشته است، در اردوهای سال‌های پیش یک نفر کادر هر دانشکده با ورودی‌های هر دانشکده همراه میشد و این تعداد کم اعضای کادر باعث میشد ارتباط کافی با دانشجویان شکل نگیرد و در نتیجه بعد از اردو بهره‌ای در مورد جذب از اردو نبرده باشند. اصطلاحاً دانشجویان در اردو شرکت میکردند و میرفتند ولی در این برنامه کافه با توجه به اینکه از هر پایگاه چند نفر از اعضای کادر کنار دانشجویان ورودی حضور داشتند، ارتباط مفید تری شکل گرفته و در مورد جذب نتیجه بهتری حاصل شده است.

بر اساس فرم‌هایی که ورودی‌ها در برنامه ستاد استقبال یا کافه پر کرده بودند، مسئول نیروی انسانی بچه‌ها را دسته بندی میکند و به واحد‌ها معرفی میشوند مثلاً کسی که در زمینه رسانه استعداد داشته به بخش رسانه بسیج معرفی میشود و برای اینکه ارتباط با او قطع نشود کلاس‌هایی در زمینه سواد رسانه‌ای تشکیل میشود تا این افراد در این کلاس‌ها شرکت کنند. همینطور در باره موضوعات و دغدغه‌های دیگر.

به علاوه در کارهای صحنی، آن دسته از مسئولیت‌ها که خیلی خطیر نباشند و بعلاوه سبک باشند به همین دانشجویان جدید سپرده میشود مثلاً عکاسی یا انتظامات مراسم.

اکنون هم که نزدیک اردوی راهیان است خیلی از دانشجویان برای انجام کارهای اردو با بسیج همکاری میکنند.

از جمله عوامل جذب در این برنامه صمیمیت بین اعضای بسیج و دانشجویان ورودی و همینطور خرج کردن برای ورودی ها بوده است. وقتی برای دانشجویان ورودی خرج میشود احساس میکنند به آنها توجه شده و احساس خوبی دارند.

به علاوه سپردن کارهای زود بازده به دانشجویان جدید از مهمترین عوامل جذب و تثبیت دانشجویان است.

④ حمایت از دانشجویان

حمایت همه جانبه (خوارزمی)

در بحث جذب ما یک طرح داریم که که اسمش طرح همراه با نسیم است و آن زمانی که ستاد استقبال هست مسئولیتش را می گیریم بین تشکل ها تقسیم می کنیم و حالا آن بخش های تا حدودی اداری را که بتوانیم خودمان انجام می دهیم یعنی بچه های ورودی در روال اداری هم با بچه های ما مواجه می شوند و کار تشکیل پرونده را از ابتدا تا انتها ما انجام می دهیم فقط یک کارمند بالای سرمان هست که اگر ایرادی بود رفع کند . این کار اصلا رسم دانشگاه شده و از چند سال قبل این امتیاز با رایزنی به بسیج داده شده است. اینکه هر سال بسیج مسئول ثبت نام بچه های ورودی است به حدی جدی است که یک سال وقتی دانشگاه میخواست بخشی از ثبت نام را به فرهنگی دانشگاه بدهد و از ما بگیرد ما مخالفت کردیم و گفتیم این کار خودرن حق ماست! قبلا حتی ثبت نام دانشجویان ارشد و دکتری هم بر عهده بسیج بود و بابت این کار به بسیجیانی که کار انجام میدادند حقوق کار دانشجویی داده میشد.

به هر حال ثبت نام، شروع کار ارتباط گیری ماست. مهم است که سر بزنگاه ها مخاطب را بگیریم. در لحظه ورود به دانشگاه، ورودی ها خیلی به حمایت نیاز دارند. در واقع هم ورودی ها و هم خانواده ها.

بچه های بسیج به ورودی ها کمک میکنند، آنهایی که به نظر برسد سر در گم هستند یا تیپ های شخصیتی خاصی دارند به سراغشان میروند و با آنها صحبت میکنند. هم کمک میکنند که کارشان پیش برود و هم درباره اساتید و درس ها و ... نکاتی را میگویند. مثلا اینکه فلان استاد خوب است یعنی مشاوره علمی میدهند یا خوابگاه فلان طور است و غیره. بعضی از بچه های بسیج هم به سراغ خانواده ها میروند و با آنها صحبت میکنند. اولویتمان در ارتباط گیری با خانواده ها، والدین نگران و یا آنهایی که از شهر دور آمده اند هستند. برای ارتباط گیری با خانواده ها بچه های پخته تر و ترجیحا متاهل خود را به کار میگیریم. آنها هم در کنار والدین از وضعیت دانشجویانشان می پرسند و توضیح میدهند که دانشگاه شرایط خوبی دارد، رشته ای که فرزندشان قبول شده رشته خوبی است، بعضی مسئولین دانشگاه را معرفی میکنند به عنوان افراد سالم و مورد اطمینان که اگر نیاز باشد میتوان از آنها کمک و همراهی گرفت، از حراست دانشگاه تعریف میکنند و نهایتا از همه چیز به خانواده ها اطمینان میدهند. میگویند فرزند شما الان کجاست و مستقیم در حضور والدین با دانشجو حرف میزنند. وقتی چهره شناخته شده در بین والدین دانشجویان بشویم، خانواده ها به ما اعتماد میکنند و بچه هایشان را مجاب میکنند که ما در ارتباط باشیم . ما تا ترم اول درواقع بیشتر مخاطب خانواده ها هستیم که مثلا پیگیرند فرزندشان کجاست و چه فعالیتی دارند. شرایط شخصی افراد را می سنجیم و

مخاطب شناسی می‌کنیم. مثلاً در ستاد استقبال از بچه‌های ما چند نفر می‌نشینند و فقط نگاه می‌کنند تا ریز عملکرد مراجعه‌کنندگان را زیر نظر بگیرند تا در بحث جذب استفاده کنند.

بعلاوه از خوابگاهی‌ها هم حمایت می‌کنیم. پیش می‌آید که ورودی‌هایی اتاق می‌گیرند مثلاً اتاق ۵ نفره و هم اتاقی‌هایشان قرار است بعداً به خوابگاه بیایند. شب‌های اول این دانشجویان تنهاست اما ما این دانشجویان را پیدا می‌کنیم و اجازه نمیدهیم تنها بمانند. یا آنها را به اتاق خودمان می‌بریم یا یکی از بچه‌های خودمان در اتاق آن دانشجویان میماند تا احساس تنهایی نکنند. همینطور آن دسته از خوابگاهی‌هایی که به دلیل دوری از خانواده دلگیر هستند و گریه می‌کنند را اصلاً نمی‌گذاریم تنها بمانند و کنارشان هستیم.

این حمایت‌ها باعث شده که بچه‌ها بینند وقتی به کمک نیاز داشته‌اند بسیج کنارشان بوده است. شاید این عوامل باعث جذب دانشجویان به بسیج شود ولی همینکه بچه‌ها ارتباط خوبی با ما برقرار می‌کنند و تا آخر احساس صمیمیت می‌کنند هم نقطه بسیار مثبتی است.

امسال یک غرفه در محل انتظار ثبت نام گذاشتیم که در آن پرسش و پاسخ علمی بود که ورودی‌ها بتوانند از بچه‌هایی که ترم آخر رشته‌شان بودند اطلاعات مورد نیازشان را کسب کنند و این هم خوب جواب گرفتیم و جذب خوبی داشتیم. این معارفه‌ای که بچه‌ها با سال‌بالایی‌ها داشتند و جزوه می‌گرفتند و حمایت درسی میشدند بازخورد خوبی داشت که در برنامه سال بعد جدی‌تر به آن می‌پردازیم.

بعلاوه ما امسال یک تجربه داشتیم اینکه در دانشکده‌ها وقت اذان، نماز جماعت برپا کردیم. یعنی علاوه بر اینکه در مسجد نماز برپا بود، در دانشکده‌ها هم شرایط برقرار کردیم که نماز خوانده شود هم دانشجویان هم خانواده‌ها و هم کادر بسیج که کار ثبت نام را انجام میدادند در حین مراحل اداری در نماز جماعت دانشکده‌ها شرکت کردند و این بازخورد خیلی خوبی داشت. از سال بعد این برنامه نماز جماعت را جدی‌تر برگزار می‌کنیم.

پیگیری مطالبات دانشجویی (ملی ارومیه)

هر دانشگاه با دانشگاه دیگر فرق میکند دید دانشجویان دانشگاه ما به بسیج به گونه‌ای است که باید ساده باشد هر چه ساده‌تر باشد بیشتر جذب میشوند و هر چه نتیجه گرفتن مطالباتشان از بسیج بیشتر باشد جذبشان هم به همان اندازه بیشتر است. به صورتی که فکر می‌کنند بسیج صدای دانشجویان را به مسئولین دانشگاه میرساند. دانشجویان وقتی فکر کند از طریق بسیج میتواند مطالبه کند و به نتیجه برسد، ما هم همین روال را پیش می‌گیریم و آنچه آنها دوست دارند را بیان می‌کنیم اینطوری آنها هم بیشتر خوششان می‌آید و بیشتر جذب میشوند.

در مورد مطالبات ویژه نواهران به عنوان مثال در خوابگاه دانشگاهمان مسئله دخانیات را داشتیم که خیلی از دختران اذیت میشدند و همینطور ورود افرادی به خوابگاه که مجوز نداشتند. این‌ها را مطالبه کردیم و از مسئولین دانشگاه توضیح خواستیم که چرا چنین اجازه‌ای میدهند که دخانیات مصرف کنند یا چنین افرادی وارد خوابگاه شوند؟

بجز مطالبات خوابگاه که یکی از آنها با همکاری حراست حل شد، سایر مطالبات هم اکثراً آموزشی و صنفی بود که تعداد کمی به نتیجه رسیده و در اکثر موارد پیگیری شده اما به نتیجه ی کامل نرسیده . اینکه بسیج مطالبات را پیگیری میکند باعث شده رفت و آمد دانشجویان به بسیج بیشتر شود که این قضیه در جذب تاثیر داشته است. حدود ۷ یا ۸ نفر از این طریق جذب شده اند.

حمایت درسی با استاد حل تمرین بسیجی (عباسپور)

یک مسئله ای که دختران دانشگاه با آن درگیر هستند بخصوص در دانشگاه های فنی مهندسی که تعداد آقایان نسبت به خانم ها در کلاس ها بیشتر است این است که اعتماد به نفس کافی برای پرسیدن سوالات خود سر کلاس ندارند و از عواقب آن مثلاً نگاه بد همکلاسی ها و ... بیم دارند. با توجه به این نکته خیلی خوب است که دختران بتوانند کسی را کنار خود به عنوان یک مرجع علمی داشته باشند تا در مواردی که نتوانستند جواب سوالشان را سر کلاس بگیرند بتوانند به کمک آن مرجع امیدوار باشند. این مرجع اگر یک دوست هم سن و سال خودشان باشد که خیلی بهتر است.

بعلاوه یک نکته مهم که در بسیج دانشجویی باید به آن توجه شود بحث علم است. بچه های بسیج نباید به بهانه کار فرهنگی از درسشان بزنند اتفاقاً باید بهترین ها در رشته خودشان باشند و الگو شوند.

با عنایت به این نکات، حضور یک حل تمرین خانم بسیجی در دانشکده ها نکته بسیار موثری است. هم برای کسانی که نیاز به مرجع علمی دارند خوب است و هم میتواند عاملی برای جذب به بسیج باشد. . بعد از مدتی که از سال تحصیلی می گذرد ، چند نفر از دانشجویان بسیج TA (حل تمرین) دانشجویان و کمک حال وضعیت درسی آنها میشوند. تا جای ممکن هیچگاه از آرم و اسم بسیج استفاده نمیکنیم.

این مسئله تاثیر زیادی در دیدگاه افراد به بسیج داشته است. دانشجویان اواخر ترم تازه متوجه میشوند استاد حل تمرین آنها مسئول خواهران بسیج است و باعث تعجب آنها میشود. تا جاییکه میگویند الان شما به عنوان بسیجی گونی می آورید ما را در گونی می اندازید؟! چون فکر میکردند بسیجی باید اینطوری و خشن باشد، دوستی، کار علمی و کمک های صنفی اعضای بسیج باعث میشود در ذهن افراد ذهنیت دیگری ثبت شود.

این سبک ارتباط گیری از کلاس حل تمرین شروع شد و بعد کلاس هنری مثل کلاس خطاطی که یکی از دانشجویان آموزش میداد ادامه پیدا کرد و کم کم فضا به سمت دوستی کشانده شد.

برنامه راه مهندسی (شریف)

این برنامه کلاً مختص ورودی هاست. دانشجویهایی که تازه وارد دانشگاه شده اند چند نیاز دارند. یکی اینکه به دلیل نا آشنایی با فضای دانشگاه یک سری نیازهای مشاوره ای دارند، بعلاوه چون درس ها نسبت به دبیرستان سخت تر و حجیم تر میشود به مشاوره تحصیلی و درسی هم نیاز دارند و هم چنین چون در راه جدیدی قدم برداشته اند از آینده خود نمی دانند و درباره ادامه راه همواره سوالاتی دارند.

برای پاسخ به این سه نیاز دانشجویان ورودی ما طرح راه مهندسی را کلید زدیم که به صورت دانشکده محور عمل میکند.

در ابتدای سال، ما غرفه استقبال از ورودی‌های جدید داریم که این غرفه از طرف دانشگاه برنامه ریزی میشود و تشکل‌ها در آن حضور دارند، بعد اردوی ورودی جدید هاست و بعد از بازگشت دانشجویان به دانشگاه در روزهای اول سال تحصیلی ما تبلیغات برنامه راه مهندسی را آغاز میکنیم و در ساختمان ابن سینا که همه ورودی‌ها اولین کلاس هایشان آنجا تشکیل میشود از کسانی که میخواهند در طرح شرکت کنند ثبت نام میکنیم (البته اگر کسی در حین دوره‌ها بخواهد اضافه شود مشکلی نیست و ما این امکان را به او میدهیم) بعد از مرحله ثبت نام یک برنامه همایش در آملی تئاتر به عنوان افتتاحیه طرح برگزار میشود. در این مراسم توضیحات اولیه درباره طرح داده میشود تا ابهامات بچه‌ها برطرف شود، بعلاوه در این برنامه به سه نفر از دانشجویانی که سال دوم و سوم هستند و سال گذشته در حوزه نقش آفرینی تخصصی موفقیتی کسب کرده‌اند، جایزه داده میشود. معاونت پژوهشی دانشگاه هم در این مراسم سخنرانی میکنند. این طرح برای ریاست دانشگاه کاملاً جا افتاده است و آنها از این طرح استقبال و تقدیر میکنند.

خود طرح در دانشکده‌ها در سه حوزه دنبال میشود:

برای رفع سوالات دانشجویان در باب آشنایی با فضای زندگی دانشجویی، گعده‌های دوستانه‌ای با دانشجویان سال بالایی موفق و برخی اساتید برگزار میکنیم. کمی که از این جلسات میگذرد برخی از ورودی‌ها با سال بالایی‌ها ارتباط فردی ایجاد میکنند و تک به تک هم میتوانند به سراغ سال بالایی‌ها بروند و از آنها کمک بگیرند. این جلسات به صورت جداگانه برای دختران و پسران ورودی برگزار میشود.

در حوزه مشاوره تحصیلی نزدیک امتحانات کلاس‌های حل تمرین برگزار میکنیم. در ابتدای سال تحصیلی هم در هر دانشکده به صورت جداگانه جلساتی برگزار میکنیم که در این جلسات یکی از اساتید یا یکی از دانشجویان ارشد یا دکتری در زمینه تحصیلی به بچه‌ها مشاوره میدهند. مثلاً اینکه چگونه درس بخوانیم، چه بخوانیم، چه بخش‌هایی از درس‌ها مهم‌تر است و ... که این جلسات مشترک بین خانم‌ها و آقایان است.

و نهایتاً برای پاسخ به نیاز دانشجویان در زمینه آینده‌شغلی و تحصیلی رشته‌خودشان از افرادی که در صنعت هستند یا اساتیدی که با صنعت ارتباط دارند در طی جلساتی دعوت میشود. این جلسات آمفی تئاتری برگزار میشود. به علاوه بازدید از کارخانه‌ها و شرکت‌ها و مراکز پژوهشی مطابق با هر رشته را هم داریم. در این بازدیدها برنامه‌خواهران و برادران جدا از هم برگزار میشود چون هم دانشگاه اجازه اردوی مختلط نمی‌دهد هم بسیج دانشجویی برای حفظ ارزش‌ها چنین کاری نمیکند، اما اردوی جداگانه‌خواهران و برادران در فاصله دو سه روز برگزار میشود تا حساسیتی بین دانشجویان پیش نیاید که مثلاً برادران به فلان کارخانه رفتند چرا خواهران نرفتند و برعکس.

اینکه این سه شکل برنامه در چه روزهایی از ترم برگزار شود به شرایط دانشکده و ورودی‌ها بستگی دارد. هر زمانی که تشخیص دهیم مثلاً جلسات سبک زندگی نیاز است آن را برپا میکنیم. به طور کلی قاعده خاصی

برای اینکه اول کدام شکل جلسات تشکیل شود نداریم بلکه به صورت پازل، این سه نوع برنامه را کنار هم زمانبندی میکنیم به گونه ای که پاسخ به نیاز دانشجوی هم باشد.

هدف ما از این کار کمک به ورودی ها و خدمت به آنها بوده است. به طور جدی موضوعی مثل جذب را برای این کار هدف قرار ندادیم اما بهر حال در چنین برنامه هایی خواه و ناخواه جذب رخ میدهد بعلاوه اینکه در این جلسات امکان خوبی برای شناخت انواع مخاطب ها و ارتباط گیری با آنها ایجاد میشود. حدود ۶۰، ۷۰ درصد دانشجویان هر دانشکده در این طرح حضور دارند و این یعنی دانشجویها از مدل های فکری و اقشار مختلف در کنار هم در برنامه بسیج حضور دارند که امکان ارتباط گیری و شناخت استعداد ها را فراهم میکند. البته در مسیر این شناخت و ارتباط گیری ما اصلا توقع جذب نداریم!

در کنار برنامه راه مهندسی ما یک مسئول ارتباط با ورودی های جدید تعریف کرده ایم. این مسئول فرد قوی تر و تشکیلاتی تری نسبت به مسئول راه مهندسی است. مسئول راه مهندسی را سعی میکنیم یک فرد علمی قرار دهیم اما مسئول ورودی ها یک فرد تشکیلاتی تر است. در واقع این مسئول روی برنامه ای راه مهندسی هر دانشکده هم نظارت دارد و مسیر برنامه ها را جوری تعریف میکند که مغایر با ارزش های بسیج و مسائل دینی و ... نباشد. این فرد سیر تربیتی معرفتی برای ورودی ها می چیند و هر زمان نیاز باشد برنامه هایی مثل برنامه تفریحی یا دور همی و ... برای ورودی ها ترتیب میدهد. در واقع این فرد بیشتر وظیفه شناخت و استعداد یابی در کلاس های طرح راه مهندسی را بر عهده دارد. به این شکل سال اول ورودی ها به پایان میرسد و طرح فقط برای یکسال اول دانشجویان است. برای دانشجویان سال دوم و سوم و چهارم از نظر علمی برنامه دیگری وجود دارد و آن اینکه یک سوال محوری برای هر دانشکده تعیین میکنیم و این افراد حول این مسئله فعالیت علمی دارند به این شکل نقش آفرینی تخصصی میکنند. رویداد های علمی ما در دانشکده ها برای این دانشجویان است.

اما در بعد تربیتی، ورودی ها بعد از یک سال توسط همین مسئولان ورودی جدید حلقه هایی تشکیل میدهند. مثلا حلقه وردی های ۹۵ که متشکل از همه رشته هاست. این حلقه ها کسانی هستند که با هم رشد میکنند و با هم در بسیج فعالیت میکنند و برای هر حلقه برنامه های خاص خودش را داریم. این افراد میشوند حلقه اثرگذاران فرهنگی در دانشگاه

طرح راه مهندسی حدود ۶،۷ سال است که اجرا میشود. در واقع از بعد از یکی از انتخابات ها تصمیم گرفتیم برنامه ای بسیج را در قالب طرح های جامع مثل همین راه مهندسی داشته باشیم با دید خدمتگزاری.

این تغییر رویه در نگاه مخاطبان به بسیج بسیار موثر بوده است و با این کار توانسته ایم جذب بیشتری داشته باشیم هر چند که هدف اصلی مان را جذب قرار نداده بودیم. از طرفی با توجه به اینکه ما در دانشکده ها پایگاه بسیج نداریم، این کار ما باب ورودی به دانشکده ها بود که بتوانیم جای خود را در دانشکده باز کنیم.

در این طرح همواره به این فکر کرده ایم که آیا اقتضائاتی برای خواهران نیاز هست رعایت کنیم یا خیر؟ با توجه به این نکته ما جلسات سبک زندگی دانشجویی را برای خواهران جدا برگزار میکنیم. همچنین به این فکر کرده ایم که در بازدید های علمی کاری کنیم که بازدید های خانم ها از مجموعه هایی صورت گیرد که

مثلا پژوهشگران خانمش بیشتر باشد، اما اینها فعلا در حد ایده است و نمی دانیم چقدر امکان اجرای آن باشد. در هر صورت نمیخواهیم فمینیستی باشیم.

🌀 اردوهای یک روزه

قزوین گردی (آزاد قزوین)

برای جذب ورودی جدید ها میخواستیم اردو برگزار کنیم . اما هزینه اردوی چند روزه زیاد بود و از طرفی خانواده ها و خود دانشجو های تمایلی نداشتند که در ابتدای ورود به دانشگاه اردوی چند روزه شرکت کنند از طرفی اکثر دانشجویان از شهرهای اطراف قزوین هستن مثل تهران و کرج و ... و دوست دارند با قزوین آشنا شوند. به همین دلیل تصمیم گرفتیم اردو را یک روزه و به صورت گردش در شهر برگزار کنیم که هم تفریحی باشد هم آشنایی با بناهای تاریخی و اماکن قزوین

در مورد ارتباط گیری در برخورد اول با بچه ها، یک گاردی وجود دارد. دانشجو ها با بچه های بسیج راحت نیستند و هر چقدر هم ما تلاش کنیم یک محافظه کاری ای از طرف مقابل هست . اما وقتی صمیمیت در اردو وجود داشته باشد بعد از ساعات اولیه اردو و در میانه اردو اوضاع بهتر میشود ما هم همین کار را کردیم. رفتار صمیمانه ای که بین اعضا داشتیم را در بین ورودی ها هم برقرار کردیم و کم کم بچه ها گاردشان شکسته شد و آخر اردو هم تمایلشان به بسیج بیشتر شد تا جاییکه میخواستند وارد بسیج شوند و فعالیت کنند این صمیمیت به این معناست افراد بسج مغرور نباشند و فقط با خودشان نباشند. همان صمیمیتی که بین خودشان هست با بقیه هم داشته باشند.

از نکاتی که در اردوی خواهران باید رعایت شود بحث امنیت است. به همین دلیل حتما باید یکی از اعضای کادر برادران را همراه می بردیم در اردو که این کار را انجام دادیم و از طرفی حضور یک نامحرم در اتوبوس باز اقتضائات خود را دارد و خانم ها باید یک سری موارد را به این سبب رعایت کنند. اگر صمیمت بین کادر بسیج و دانشجو ها ایجاد شود در ابتدای اردو این مسئله حل میشود. ما هم با همین نکته با صمیمیتی که بینمان ایجاد شده بود از بچه ها خواستیم که مثلا با صدای آرام تر بخندند یا صحبت کنند. از نقاط قوت اردو آشنایی متقابل کادر بسیج و دانشجویان بود و همچنین شناساندن بناهای تاریخی و اماکن قزوین.

و اگر اردو میتواند دو یا سه روزه برگزار شود کارهای بزرگتری میشد انجام داد. مثلا ارتباط گیری بیشتر شود یا محتوایی آموزشی وارد برنامه اردو شود

اردوی تئاتر خوب برای خوابگاهی ها (آزاد اردبیل)

یک اردوی تئاتر برای بچه های خوابگاه برگزار کردیم. یک تئاتری بود که حالا با کارگردانی یک کارگردان مشهور صورت میگرفت که سبک عاشورایی داشت و خیلی چیزها را کنار این سبک گنجانده بودند ، سعی کردیم از این تئاتر استفاده کنیم برای اینکه بچه ها بیشتر در آن فضا قرار بگیرند. بچه ها را از خوابگاه به محل تئاتر بردیم و برگرداندیم. هدف ما از این برنامه برقراری ارتباط و جلب اعتماد دانشجویهای خوابگاه بود. یعنی شرایطی فراهم شود که دانشجویان با تیم جدید بسیج آشنا شوند.

ما در خوابگاه محدودیت ارتباط گیری داشتیم. این محدودیت به علت عدم اعتماد دانشجویها به بسیج بود البته دلایل دیگری هم داشت از جمله سرگرم بودنشان به انجام امورات شخصی و فردی و همینطور بی توجهی به مسائل اطراف و برنامه هایی که برای ایشان تهیه و برگزار میشد.

استقبال از این اردو در وهله اول خوب نبود اما رفته رفته استقبال از این برنامه زیاد شد تبلیغات چهره به چهره بود و در تمام درب های ورودی و مکانهای پررفت و آمد یک پوستر ساده برای تبلیغ که طراحی خود بسیج دانشگاه بود زده بودیم.

بعد از برگزاری اردو و اجرای تئاتر که کاری از مجموعه فدک اردبیل بود، به قدری استقبال و اقبال عمومی بالا رفت که نه تنها تمام شرکت کنندگان در اردو جذب بسیج شدند بلکه تعدادی از آنها دوستانشان را هم برای عضویت در بسیج معرفی کردند.

بعد از اینکه استقبال از این برنامه را در این حد دیدیم، دیگر برنامه های بسیج در خوابگاه را بیشتر کردیم. این برنامه و تاثیر بعد از آن باعث شد که تعداد متقاضیان برای اردوی تهران (نمایشگاه کتاب) هم زیاد باشد.

تجربه خوب تلفیق اردوی گردشگری و زیارتی (چمران اهواز)

میخواستیم یک فضای ارتباطی با ورودی های جدید ترتیب دهیم که شناخت متقابل ایجاد شود و همچنین نگاه ورودی ها به بسیج نگاه درستی باشد. به همین سبب برای جدید الوردی ها اردو هم ترتیب دادیم اما چون میخواستیم در اردو فضای خنده و شوخی داشته باشیم، با توجه به اینکه ایام محرم در ابتدای سال بود، اردو را عقب انداختیم تا این ایام تمام شود و به فضای این ماه ها بی احترامی نشود.

قصد داشتیم این اردوی یک روزه را خارج از اهواز و در یک مکان تفریحی برگزار کنیم و خیلی هم تلاش کردیم اما با ما موافقت نشد. برای همین این اردو را با همکاری شهرداری در اهواز با عنوان اهواز گردی برگزار کردیم به صورت گردشگری و همراه با پذیرایی. در انتهای اردو بچه ها را به معراج شهدا بردیم یعنی اردوی تفریحی که انتهای آن به اردوی زیارتی ختم شد. برخلاف آنچه تصور میکردیم ورودی ها خیلی استقبال کردند. به این نتیجه رسیدیم که اگر در چنین اردوهایی که قشر های متفاوتی از مخاطبان حضور دارند یعنی هم کسانی هستند که به برنامه زیارتی علاقه دارند و هم کسانی که به برنامه تفریحی علاقه مند هستند، خوب است اردویی برگزار کنیم که هر دو مدل را شامل شود. مثلاً صبح تفریحی و عصر زیارتی. به این صورت سلیقه هر دو گروه پاسخ داده میشود و برای هر دو جذاب و تاثیر گذار میتواند باشد. مخصوصاً ما که تشکل های مذهبی هستیم و میتوانیم به این شکل هم الگو سازی برای تفریحات سالم کنیم و هم معنویات. وقتی عصر به معراج شهدا رفتیم مراسمی در معراج برپا بود که ما از قبل نمی دانستیم. شهید گمنام آورده بودند و این قضیه هم تاثیر خوبی در مخاطبان داشت.

این اردو ویژه خواهران بود البته برادران هم در همان روز اردویشان را برگزار کردند در چنین مواردی که اردو همزمان میشود مهم است که کاری کنیم تداخل پیش نیاید تا اردو به حاشیه نرود و مدیریت سخت نشود. ما هم به همین علت برنامه ریزی زمانی دو اردوی خواهران و برادران را به شکلی انجام دادیم که تداخلی پیش

نیاید و به این صورت نشود که در یک زمان خانم ها و آقایان در یک مکان باشند و الحمدلله مشکلی هم پیش نیامد.

از نتایج و نقاط قوت اردو میتوانیم بگوییم که استقبال خدا را شکر خیلی خوب بود. بعد از آن ارتباط گیری که با بچه ها صورت گرفته بود متوجه شدیم که کمی دیدگاهشان نسبت به بسیج عوض شده است که این خودش یک نکته مثبت بود. البته خیلی هم نمیشود هدف را عضویت آنها در پایگاه قراردهیم چون درصد زیادی از این جذب بستگی به خود بچه های ورودی دارد.

نقطه ضعف این اردو را هم میتونیم تبلیغات را عنوان کنیم که بحث تبلیغات فکر میکنم کمی دیر شد بخاطر همین شاید نسبت به اردوهای دیگر کمتر از انتظار استقبال داشت هر چند باز هم استقبال خیلی هم بد نبود. یک توصیه اینکه بهتر است وقتی نمیتوانیم برنامه ای را شاد برگزار کنیم بنا به شرایط مثلا موقعیت زمانی و مکانی اقداماتی انجام دهیم که از نظر سمعی و بصری جذابیت داشته باشد مثلا یادبود هایی جذاب به بچه ها هدیه دهیم. ما همین کار را کردیم و به خانم ها گل هدیه دادیم که برایشان جذابیت داشت. در واقع در این زمینه برای جدید الورد ها سرمایه گذاری کردیم.

🔗 اردوهای چند روزه

اردوی مشهد ورودی ها (الزهر)

اردوی مشهد داریم که ویژه جدید الورد ها برگزار میشود. ثبت نام همزمان با ورود دانشجویان و روی همان میزهای استقبال از ورودی های جدید انجام میشود. و اواخر مهر یا اوایل آبان این اردو برگزار میشود. زمان اردو از جهاتی اهمیت دارد. مهم است که بچه ها قبل از اینکه گروه های دوستی شان شکل بگیرد، ما با آنها ارتباط بگیریم. به مدل های مختلفی این ارتباط گیری، دوستی و جذب در طول اردو اتفاق می افتد. برای بچه ها گروه تعریف میشود. هر ۲۰، ۳۰ نفر یک گروه میشوند و یک سرگروه دارند در هر گروه تعدادی به عنوان خادم حضور دارند که به سرگروه کمک میکنند.

حسینیه به جای هتل و اسکان های مشابه بهتر است. چون دور هم بودن بچه ها یک هدف است. کنار هم خوابیدن فوایدی دارد.

از آشپزخانه حسینیه استفاده میشود به همین دلیل حسینیه ای انتخاب میشود که شرایط آشپزی داشته باشد. آشپز مادر یکی از بچه هاست که در مشهد زندگی میکند و هزینه ای دریافت نمیکند و خودش وسایل مورد نیاز و مواد غذایی مورد نیاز را از مشهد تهیه میکند و در طول اردو برای زائران آشپزی میکند. در این امر آشپزی خود بچه ها هم کمک میکنند. این کمک کردن هم ارتباط گرفتن است. و باعث شناسایی افراد میشود. البته آشپزی به این صورت هزینه ها را هم کم میکند. مطلب بعدی پختن آش نذری، که اگر مناسبتی باشد نیتی میکنند یا اگر مناسبتی نباشد بهانه ای در نظر گرفته میشود.

سرگروه ها قبل از اردو به دانشجویان گروه خودشان پیام میدهند و قرار میگذارند.

به بچه ها در اردو تا حدی آزادی داده میشود. به آنها گفته میشود که ساعت ۲۰ تا ۲۴ باید داخل حسینیه باشند برای برنامه های فرهنگی. بعد از ساعت ۲ بامداد اگر بخواهند بیرون بروند ساعت تعیین میشود و با یکی از خادم ها و کادر اردو میتوانند به حرم بروند و زمان تعیین کنند برای برگشتن. برنامه های هر روز اردو را روی یک تابلوی زیبایی که از قبل طراحی شده روی دیوار اسکان اطلاع می دهند.

یک مسابقه که امسال برگزار شد این بود که بچه ها یک سری شغل و ابزار را روی کاغذ نوشتند و بچه ها گروهی مینشینند و فکر میکنند که با این ابزار چه مشاغلی میتوانند راه اندازی کنند. و چگونه کسب درآمد داشته باشند حتی در خانه. چون بچه ها فکر میکنند تنها کاری که میشود در خانه انجام داد درست کردن ترشی و ... است. در حالیکه میتوان با خلاقیت کارهای بهتر و سودده تری انجام داد. این بازی با هدف اقتصادی و اقتصاد مقاومتی طراحی شده است.

در برنامه های اردو خواندن دعای توسل و زیارت عاشورا بود که توسط خود بچه ها خوانده شد.

اگر بچه ها جای تفریحی بخواهند بروند با سرگروه ها میروند

دانشگاه هم تصمیم میگیرد اردوی مشهد برگزار کند به جای جشن که البته اینکه اردوی بسیج زودتر برگزار شد و هزینه کمتری داشت عاملی بود که ثبت نام های اردو ریزش نکند.

بحث ارتباط گرفتن ادامه دار است. بعد از اردو هم برنامه هایی برگزار میشود.

قبل از اردو کسانی بودند که میخواستند در اردو شرکت کنند ولی به هر دلیلی نتوانستند. ابتدای اردو به زائران می گویم که به یاد این دوستان که سفر نیامده اند باشند و یک سوغاتی کوچک برایشان ببرند. از خود بچه ها پول جمع میکنیم و نخودچی کشمش خریداری میشود و یک روز بعد از اردو به کسانی که در اردو شرکت کرده اند یا نتوانسته اند شرکت کنند اعلام میشود بیاید نخودچی کشمش ها را بسته بندی کنیم و کلیپ عکس هایی که در مشهد گرفته شده پخش میشود و یک دور همی دخترانه. آنقدر استقبال از این برنامه زیاد است که بچه ها قبل از اینکه بسیج زمانی برای این دور همی اعلام کند، خودشان مدام سوال میپرسند که چه روزی این برنامه هست. خیلی از بچه ها داخل اردو میپرسند که ما اگر بخواهیم خادم شویم سال بعد چه کاری باید انجام دهیم؟

کنار این نخودچی کشمش ها جملات قشنگ در قالب های قشنگ تهیه میکنیم و یک روز در سطح دانشگاه پخش میکنیم و به این صورت یک فضاسازی ای هم در دانشگاه انجام میدهم.

یک سری برنامه های فرهنگی از جمله فضاسازی هم برای خود داخل اسکان داریم. امسال با توجه به شعاری که برای اردو انتخاب شده بود این فضاسازی هم طراحی شد. شعار این بود که همه در کنار هم به دریا بپیوندیم (نقل به مضمون) که از این دریا تعبیر متفاوتی میشد.

روی یک دیوار خیلی بزرگ موج ها و ماهی ها بودند و در وسط دیوار جملاتی که مد نظر بود نوشته بودند.

یک بخش دیگری از فضاسازی این بود که افرادی که کار آفرینی کرده بودند و آدم های مذهبی بودند و کارشان رونق گرفته بود معرفی شدند به صورت عکس و یک اطلاعاتی درباره این افراد در قالب پوستر.

در راه پله اسکان هم با فضاسازی کارهای فرهنگی خوبی میشود کرد مثلاً روی دیوار صلوات شمار نصب شده برای سلامتی امام زمان صلوات. که بچه ها وقتی در حسینیه تردد میکنند از این صلوات شمار ها استفاده میکنند.

یک سری برنامه هایی برای خود خادم ها داریم. سعی میکنیم با توجه به فعالیتی که خادم ها انجام دادند یک هدیه بهشان داده میشود. مثلاً شب کنار رخت خوابشان گذاشته میشود و صبح بیدار میشوند و هدایا را مبینند.

یک فرهنگی که به زائرها و خادم ها داده میشود متشکل از چند کتاب، لیوان، کاسه امام رضا، زیارت عاشورا، دفترچه با شعار اردو، خودکار کیان با برچسب کالای ایرانی و شعر همگانی. که در قطار به بچه ها داده میشود. توسط مسئول اردو، مسئول فرهنگی و مسئول بسیج و ارتباط گیری اولیه شکل میگیرد.

شعر همگانی برای اردو در نظر میگیریم از قطار به بچه ها داده میشود و از همان زمان مدام می خوانیم و صوتش پخش میشود و هر موقعیتی تکرار میشود و تا برای بچه ها کم کم ملکه شود. بچه ها در زیارت اول که دسته جمعی است این سرود را میخوانند.

یک برنامه وداع هم داخل حرم داریم با خود حرم هماهنگ میشود با بخش فرهنگی حرم در رواق دارالهدایه خودشان سخنران و مداح دارند. که بچه ها از آن استقبال کردند.

افتتاحیه و اختتامیه در اردو داریم که بستگی به زمان رسیدن به اسکان دارد. در افتتاحیه مسئول بسیج یک صحبت هایی دارد بیشتر درباره معنویت اردو و نکاتی که باید رعایت شود، مسئول اردو هم صحبت هایی میکند درباره برنامه های فرهنگی و ... کلیپ از حضرت آقا پخش میشود، شعار اردو مطرح میشود و برنامه های جانبی.

اختتامیه هم به این صورت که حلالیت طلبی میکنیم و مسابقاتی که در اردو برگزار شده جوایزش داده میشود. سرود همگانی خوانده میشود و تاریخ برنامه های امتدادیه به بچه ها اعلام میشود. کلیپی از عکس ها هم بچه ها درست میکنند و پخش میشود.

کارهای پشتیبانی قبل اردو (از شهرداری ها و سرای محله ها میتوان کمک گرفت، گاهی شهرداری ها کمک مالی نمیتوانند بکنند ولی اتوبوس مثلاً میتوانند در اختیار بگذارند).

روزی یکی دو میان وعده داده میشود. برای برنامه غذایی و میان وعده ها دقت میشود که طبع غذا ها مشکل ایجاد نکند مثلاً غذاهای سرد خیلی داده نمیشد. شام ها سبک تر بود و ...

در میان وعده ها از دمنوش و میوه استفاده میشود. برای هزینه میانوعده سعی میشود خیر پیدا کنند بچه ها. بعضی خیر ها پول نقد نمی توانند بدهند ولی میتوانند کالایی را خرید کنند.

کارهای پشتیبانی را تماماً خود خواهران انجام میدهند از نامه نگاری ها تا هماهنگی قطار و اتوبوس و پیدا کردن خیر و ... که کار خیلی سختی است. بعضی از اعصاب بسیج خیلی روحیه لطیف و دخترانه ای دارند ولی ارتباط با آقایان روحیه جدی تری میطلبد سعی میشود کسانی برای پشتیبانی انتخاب شوند که بتوانند

این ارتباطات سخت با آقایان را داشته باشند و روحیه لطیفشان را بیشتر بتوانند کنترل کنند. پتشیبانی از کارهای سخت و فرسایشی است.

از دانشگاه فقط یکی دو نفر آقای کارمند حضور پیدا میکنند و سعی میشود اسکان آنها نزدیک اسکان خواهران در نظر گرفته شود.

برای جابه جایی جعبه ها و وسایل اردو از مسئولین حراستی که همراهشان می آیند کمک میگیرند ولی بهرحال خودشان هم در این نقل و انتقالات باید دخیل باشند. جعبه ها کوچک و به تعداد زیاد در نظر گرفته میشود که کمی راحت تر شود ولی همچنان سختی های خودش را دارد. مقدماتی از قبل اردو:

قبل از اردو بیشترین حجم کار را هماهنگی ها در بر می گیرد.

هر اردو شامل مسئول اردو، مسئول تربیتی، مسئول فرهنگی، مسئول شناسایی و پشتیبانی می باشد. در واقع هر اردو پنج مسئول دارد و هر کدام از بخش ها کار به خصوصی را انجام می دهند.

ما صحبتمان را از بخش تربیتی آغاز می کنیم؛ کار این بخش از بقیه بخش ها زود تر شروع می شود. بخش تربیتی صرفا روی بحث تربیت خادم ها تمرکز دارد. به این ترتیب که به خادم ها محتوا می دهند تا برای کاری که قرار است انجام دهند کاملا آشنا باشند. همه خادم ها باید توانایی بحث کردن درباره موضوع اردو را داشته باشند. در واقع هر یکی از خادم ها باید بتوانند با هر گروهی از بچه ها که در ارتباط می باشند در رابطه با موضوع و هدف اردو برایشان صحبت کنند.

قبل از اردو یک سری محتوای عام و خاص به خادم ها داده می شود. محتوای عام محتوایی است که همه خادم ها باید بر آن مسلط باشند که شامل یک سری مباحث و مطالب درباره خود اردو، شبهات روز و احکام مسافر می باشد. محتوای خاص محتوایی هست که تخصصی تر می باشد و روی مباحث، جزئی تر بحث می کند. محتوای خاص شامل مباحث جریان شناسی فقهی، مسائل اقتصادی و تمام مسائلی است که ممکن است در مباحث روز بچه ها با آن برخورد کنند. مسئولین تربیتی اول محتوای عام را در اختیار خادم ها قرار می دهند و پس از یک الی دو روز، محتوای خاص را در اختیارشان قرار می دهند. همه موظف می باشند که جزوه ها را بخوانند. آنها تقریبا دو هفته مانده به شروع اردو خادم ها را ارزیابی می کنند. قبل از ثبت نام هم به خادم ها اطلاع داده می شود که در صورتی که در ارزیابی قبول بشوند می توانند به عنوان خادم در اردو حضور داشته باشند. ثبت نام خادم ها فقط از بین اعضای فعال بسیج صورت می گیرد. اگر فردی در بسیج غیر فعال باشد ولی بخواهد خادم شود باید تعهد بدهد که بعد از اردو به عنوان عضو فعال بسیج فعالیت می کند.

ارزیابی خادم ها به این صورت هست که مسئول ارزیابی حلقه ای برگزار می کند که در هر حلقه حدود پنج الی شش خادم حضور دارد. مسئول یک شبهه ای را ایجاد می کند و همه خادم ها موظف می باشند که درباره آن شبهه به بحث بپردازند. مسئول ارزیابی باید توانایی تحلیل را هم داشته باشد و بتواند تشخیص بدهد که خادم ها چقدر بر مباحث مسلط می باشند. براین اساس مسئول ارزیابی افرادی که محتوا را به

خوبی یاد گرفته اند و هم چنین به خوبی می توانند آن را بیان کنند به عنوان گعده دار انتخاب می کنند و مسئولیت آن ها برگزاری گعده در اردو می باشد. در رابطه با افرادی که از لحاظ محتوا ضعیف می باشند، به آنها فرصت دو الی سه روزه داده می شود که دوباره جزوات را بخوانند و اگر مجدداً از لحاظ محتوا خوب نبودند اجازه خادمی را ندارند. مسئول ارزیابی سعی می کند تا کسی از خادم ها حذف نشود و همه بتوانند در اردو شرکت داشته باشند. چون بچه ها به دلیل حجم بالای درس ها وقت نمی کردند جزوات را مطالعه کنند بعد ها جزوات را به صورت صوت های کوتاه در آوردیم و روزانه ده الی بیست دقیقه از صوت را برای بچه ها می فرستادیم. البته متن نیز کاملاً حذف نشد ولی متن ها در حد یک الی دو صفحه محدود شد.

بهتر هست که ارزیابی از مسئولین اردو و حتی فرمانده هم انجام پذیرد در این صورت دانشجو ها بین خودشان و مسئولین احساس تبعیض نمی کنند ولی تجربه ثابت کرده است به قدری مشغله مسئولین زیاد می باشد که فرصتی نیست از آنان به صورت حلقه ارزیابی گرفته شود و معمولاً در این مواقع ارزیابی آنها به صورت انفرادی می باشد. ارزیابی های ما کیفی می باشد یعنی در ارزیابی هیچ نمره ای در نظر گرفته نمی شود.

در محتوا ها بسیار خوب است که حول قضیه ای که داریم از بیانات رهبری استفاده شود در این صورت بچه ها اهمیت موضوع را بیشتر متوجه می شوند. همچنین از بیانات اساتید مطرح و بزرگ در محتواها نیز باید استفاده شود. این فرصت برای رشد بچه های بسیج خیلی خوب می باشد تا به عنوان خادم بیایند و محتوایی را دریافت کنند.

همانطور که گفتیم در بحث تربیتی تعدادی گعده دار انتخاب می شوند که مسئولیت برگزاری گعده را در اردو دارند. برای این افراد جلساتی تشکیل می شود که راجع به موضوعات بحث کنند تا آمادگی بیشتر در بحث حلقه یا گعده داری کسب کنند.

همانگی غذا، همانگی اسکان، همانگی قطار و از این قبیل کارها به عهده پشتیبانی می باشد. تهیه میان وعده ها و برگزاری مراسم پخت آش نذری به عهده پشتیبانی می باشد.

ما برای تهیه بلیط از قبل با راه آهن صحبت می کنیم و تعداد بچه ها را اعلام می کنیم، راه آهن یک سری تخفیفات مخصوص دانشجو ها دارند و در صورتی که نیاز به نامه باشد از دانشگاه و یا سازمان بسیج نامه را تهیه می کنیم. تاریخ بلیط را تعیین می کنیم و پیش پرداخت را می پردازیم و زمانی که بلیط را گرفتیم مابقی پول را پرداخت می کنیم. یک مشکلی که قطار ها دارند این است که موقع تحویل بلیط تک تک افراد را چک می کنند و باید تعداد کارت ملی ها درست باشد و چون بلیط ها قبل از ثبت نام تهیه می شود و ثبت نامی ها تغییر می کند بنابراین عدم تطابق نام افراد خیلی اتفاق می افتد و مجبور می شویم که جریمه پرداخت کنیم (ما باید بلیط را در تابستان هماننگ کنیم وگرنه بلیط گیرمان نمی آید و چون در تابستان ثبت نام صورت نگرفته است مجبور هستیم برای راه آهن اسامی غیر واقعی بفرستیم) ما برای حل این مشکل یکی دو روز قبل از اردو در جلسه توجیحی که برای زائران برگزار می شود کارت ملی ها جمع آوری می کنیم و از زائران می خواهیم که بلیط ها را زود بگیرند تا مامور قطار متوجه عدم انطباق نشود.

در بحث اسکان به دلیل اینکه مخاطبان همه خانم می باشند باید محل اسکان نزدیک به حرم باشد چون صبح ها که بچه ها برای نماز صبح می خواهند به حرم بروند هوا تاریک می باشد و بهتر هست که محل اسکان نزدیک حرم باشد.

در رابطه با بحث فرهنگی از آنجایی که مخاطب ما جدیدالورودها می باشند باید کارهای فرهنگی خیلی جذاب باشد تا بتوانند افراد را جذب کنند. مسئول فرهنگی باید شخصی باشد که بتواند فضای حاکم بر اردو را کنترل کند. مثلا خیلی وقت ها پیش می آید که غذا دیر می رسد یا غذا کیفیت خوبی ندارد این وظیفه به عهده مسئول فرهنگی می باشد که نگذارد بچه ها عصبانی بشوند و یا از مشتتج شدن فضای اردو جلوگیری کند. پس مسئول فرهنگی باید آدم خوش طبعی باشد.

کارهای فرهنگی باید حول موضوع صورت بگیرد و خلاقیت زیادی در کارها حاکم باشد. این کارها کاملاً سلیقه ای می باشد و به این صورت نیست که هر ساله ثابت باشد. ما معمولاً هر ساله یک مقوا روی دیوار نصب می کنیم و روی مقوا می نویسیم " هر چه می خواهد دل تنگت بگو" و کنار آن یک پاکت قرار می دهیم تا بچه ها نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود را در پاکت قرار دهند.

معمولاً اول اردو در قطار یک بسته فرهنگی به بچه ها داده می شود. فرمانده و مسئول اردو به تک تک کوپه ها می روند و ضمن معرفی خودشان بسته ها را نیز به بچه ها می دهند. محتوای بسته ها بستگی به گروه فرهنگی و هزینه هایشان دارد معمولاً گروه فرهنگی ما با استفاده از نمود در فصل تابستان برای بچه ها جا نماز درست می کنند، حتی گاهی مهرها را هم خودشان درست می کنند. در واقع این بسته ها صرفاً حامل محتوا نمی باشند و می توان این بسته ها را به عنوان یک هدیه به همراه یک سری مطالب فرهنگی تلقی کرد. مثلاً جانماز هدیه ای است که داده می شود به گونه ای که ترویج فرهنگ نماز و معنویت باشد. امسال در بسته های فرهنگی دفترچه هایی توسط گروه فرهنگی درست شده بود که در این دفترچه ها درباره ی حمایت از کالای ایرانی و درک وضعیت اقتصادی و غیره نوشته شده بود. گاهی داخل این بسته ها برچسب های گوشی مربوط به موضوع قرار داده می شود. در بسته فرهنگی چیزهایی که بچه ها خوششان می آید قرار می گیرد و در آنها نباید برگه های محتوایی قرار بگیرد چون تجربه ثابت کرده که بچه ها نمی خوانند و در سطل آشغال می ریزند. یک نکته دیگر اینکه بسته بندی بسته های فرهنگی ما هم توسط خود گروه فرهنگی انجام می شود، مثلاً با کاغذ پاکت درست می کنند و رویش را با اسپری، شابلون و... درست می کنند. در گروه فرهنگی ما همه چیزها را خودشان درست می کنند، چون کار دست صمیمیت بیشتری دارد و بچه ها نسبت به آن ارزش بیشتری قائل می شوند. داخل اردو نیز مانور گروه فرهنگی روی دیوارها بسیار زیاد می باشد. ممکن هست برد روزانه روی دیوار نصب کنند.

نکته مهم در بحث فرهنگی این می باشد که همه کارها باید خلاقانه، جذاب و زیبا باشد و محتواها به گونه ای باشد که در کمترین زمان و حتی با یک نگاه منظور را برساند. ما در اکثر سالها برای بچه ها رزق روزانه را داریم که ممکن است رزق روزانه صحبت بزرگان درباره محتوا و یا وصیت نامه شهدا و خاطرات شهدا باشد. رزق روزانه یکی از قالب هایی است که برای تهیه آن سرمایه گذاری زیادی انجام می شود. یکی از

رزق هایی که توجه ما را خیلی جلب کرد به این صورت بود که روی یک مقوای مشکی متنی چاپ شده بود و گوشه آن تکه های آینه چسبانده بودند و این آینه ها خیلی جذاب بودند و رزق ها را درون پاکت های رنگارنگ قرار داده بودند.

بخش دیگر کارهای فرهنگی، برنامه هایی هست که داخل اردو انجام می شود. برنامه های داخل اردو باید با انتخاب و تصمیم شورای اردو و فرمانده باشد. چون کار هر بخش روی بخش دیگر تاثیر می گذارد، بنابراین این گونه نیست که گروه فرهنگی به تنهایی برنامه اردو را بچیند. همه باید دور هم به تصمیم برسند تا بتوانند بهترین کار تیمی را ارائه بدهند.

در رابطه با بحث فرهنگی در اتوبوس و قطار از مسئولان فرهنگی داخل اتوبوس ها قرار می گیرند و اگر آمپلی فایر بود صوت پخش می کنند و در غیر این صورت سرود همگانی خوانده می شود. امسال بچه ها از سرود های همگانی خیلی خوششان آمده بود و این سرود ها بین بچه ها خیلی صمیمیت ایجاد می کرد.

از کارهایی که بچه های فرهنگی در طول اردو می توانند انجام دهند پخش مستند می باشد، مثلا شب ها مستند در رابطه با موضوع پخش شود. البته بهتر هست که موضوع شاخه به شاخه شود و تمام اردو فقط یک موضوع را بیان نشود زیرا در این صورت ذهن مخاطب خسته می شود. مثلا برای موضوع حمایت از کالای داخلی در یک بخش تاثیر خوانواده ها در حمایت از کالای داخلی باشد و یا مستندی از کارهایی که دولت از لحاظ سیاسی در این راستا انجام داده است پخش شود و در بخشی دیگر نیز فرهنگ مصرف جا انداخته شود. به طور کلی در اردو نباید مدام یک موضوع به مخاطب گفته شود و از طرفی هم مطالب نباید خیلی پراکنده باشد به طوری که نهایتا وقتی از مخاطب بپرسیم موضوع اردو چه چیزی بود بگویند مگر موضوع هم داشتیم؟!

در اردو می شود که مسابقات دل نوشته ، مسابقات عکاسی و... برگزار شود. داخل اردو یک سری بازی ها و کارهای اضافی تعریف می شود که بخشی از کارها به خاطر فرهنگ سازی و بخشی دیگر به خاطر ایجاد فضای گعده می باشد. مثلا بازی پانتومیم انجام می شود و یا یک سری کارگاه ها برگزار می شود که به بچه ها آموزش می دهند به عنوان سوغاتی جانماز ، تسبیح و... درست کنند و در حین آموزش این کارها که برای بچه ها هم بسیار جذاب است، گعده دار موضوع بحث را شروع می کند و بچه ها متوجه غرض گعده دار نمی شوند.

یک کار دیگری که داریم پختن آش توسط خود بچه ها می باشد؛ روز آخر بین بچه ها اعلام می کنیم که قرار هست آش نذری بپزیم و هر کس که خواست از لحاظ مالی کمک کند. پس از جمع شدن پول ها بچه های پشتیبانی خرید را انجام می دهند و در تمام مراحل اعم از پاک کردن سبزی، خرد کردن پیاز و غیره همه بچه ها مشارکت می کنند. پختن آش فضای خیلی خوب و دخترانه ای را ایجاد می کند. بعضی وقت ها یکی از بچه ها بالای سر آش مداحی می کند و بچه های زائر نیز آش را هم می زنند و... البته حتما باید کسی که آشپزی بلد هست بالای سر آش بایستد تا آش خراب نشود. ما سبزی و کشک آش را از بازار تهیه می کنیم و حبوبات را هم از قبل تدارک دیده ایم.

همانطور که قبلا هم اشاره کردیم یکی از اهداف ما جذب می باشد که جذب مستقیما با شناسایی در ارتباط می باشد. در بحث شناسایی باید خادم ها بین بچه ها طوری چیده شوند که جذب اتفاق بیفتد. اولاً اینکه حین گعده ها و جلسات قبل اردو مسئول تربیتی باید شناسایی بچه های خادم را به مسئول شناسایی بدهد مثلا فلان خادم ارتباط گیری خوبی دارد و یا فلان خادم خیلی توجیه می باشد و... . مسئول شناسایی با این اطلاعات خادم ها را در بین کوپه ها تقسیم می کند. به طور کلی خادم ها براساس شناسایی اولیه حین ثبت نام در کوپه ها قرار می گیرند. مثلا بچه های یک کوپه خیلی شلوغ هستند خادم را نیز متناسب با روحیات خودشان انتخاب می کنیم و یا یک کوپه بچه های ارشد هستند بنابراین خادم نیز باید پخته تر باشد و... . در اردوی مشهد معمولا بچه ها دوست دارند که به حال خودشان رها باشند و کسی کاری به کارشان نداشته باشد. ما خیلی سعی می کنیم مسئولی که قرار می دهیم مثل مسئولان دوره مدرسه نباشد و کاملا مانند یک دوست برخورد کند چون بچه ها خیلی دوست دارند که با آنها مثل یک دانشجو رفتار شود. خیلی مهم می باشد که هیچ وجه تمایزی بین خادم ها و زائرها نباشد. خیلی ها خادم ها را با یک شال یا پيسکل و مانند این ها از زائرین جدا می کنند و این نتیجه خوبی را به دنبال ندارد. به مرور زمان بچه ها قطعا خادم را شناسایی می کنند ولی نیازی نیست که وجه تمایزی از لحاظ ظاهر قائل باشیم، در ضمن زمانی که خادم شناسایی شد نباید این موضوع را پنهان کند و باید صریحا اعلام کند که به عنوان خادم به اردو آمده است. ما در هر کوپه حتما یک خادم قرار می دهیم، مگر اینکه در کوپه ای شش نفر گروه دوستی باشند در این صورت خادم کوپه وظیفه دارد به آن ها سر بزند و سعی کند با آنها گرم بگیرد. ما از قبل مسائل تربیتی و چگونگی ارتباط گیری را به خادم ها آموزش داده ایم؛ اگر مباحث تربیتی، مخاطب شناسی و ارتباط گیری را به خادم ها آموزش داده باشیم خیلی راحت می توانند این کار را انجام دهند و اگر واقعا این ارتباط گیری خوب باشد افراد کوپه خادم را به عنوان دوست خود قبول می کنند و در طول اردو این دوستی ادامه خواهد داشت.

در رابطه با ارتباط گیری خادم ها هر خادمی از هنر بخصوص خود استفاده می کند، مثلا خادمی لپ تاب می آورد و انیمیشن پخش می کند و درباره اش بحث می کند و یا خادمی دیگر بحث ازدواج را شروع می کند و بعد به بحث مورد نظر می رسد و... .

ما برای یک سری خادم ها که با تجربه نیستند و به خوبی نمی توانند ارتباط بگیرند یک خادم با تجربه کنارشان قرار می دهیم. یک خادمی که از همه خادم ها با تجربه تر هست را مسئول واگن قرار می دهیم تا به همه واگن ها سر بزند و وضعیت واگن ها را بررسی کند. در صورتی که کاری پیش بیاید فقط مسئول واگن با آقایان در ارتباط می باشد.

ما در طول اردو هم سعی می کنیم افراد هر کوپه دور هم باشند. خادم کوپه باید در تمام اردو به عنوان دوست همراه گروهش باشد و برای اینکه آن افراد تابع باشند خادم باید برنامه ها را به بچه ها القا کند مثلا پیش دستی کند که الان خرید برویم و یا زیارت برویم و یا امروز بیرون غذا بخوریم و به فلان جا برویم در این صورت بچه ها احساس نمی کنند که خادم سربار و چسبیده به آنهاست و آنها خودشان را همراه با خادم و وابسته به آن می بینند. ما از قبل مکان های مناسب را به مسئولان معرفی می کنیم تا هر رستوران و یا

بازاری نروند. باید ارتباط دوستی بین خادم و بچه‌ها به قدری زیاد باشد تا هر وقت بچه‌ها پیشنهاد های نامعقول دادند بتواند منصرفشان کند.

ما قبلاً بچه‌ها را گروه بندی نمی کردیم ولی از دو سال پیش این ریسک را کردیم و بچه‌ها را به گروه های پنج الی ده نفری نسبت به تعداد تقسیم می کنیم و برای هر گروه یک اسم انتخاب می کنیم و برای هر گروه یک پلاکارد می دهیم، مثلاً در راه آهن که شلوغ می شود پلاکاردها را بالا می گیرند و گروه‌ها جمع می شوند. گروه بندی برخلاف تصوراتمان باز خورد خوبی داشت و بچه‌ها نسبت به گروه‌ها ارق پیدا کردند. پس از گروه بندی فقط مسئول گروه‌ها به بچه‌ها معرفی می شوند. گروه بندی از لحاظ هماهنگی‌ها خیلی خوب بود، مثلاً صبح‌ها هر گروه توسط سر گروهش از خواب بیدار می شدند. گروه بندی از لحاظ ارتباط گیری هم خیلی کمک کرد چون هر گروه در فضای مجازی یک گروهی را تشکیل داشتند و افراد مدت‌ها با هم در ارتباط بودند و بعد‌ها این گروه‌ها به یک گروه بزرگتر انتقال داده شدند.

۳ اردوهای شبیه تشکیلاتی

دانشگاه شهید بهشتی

بلافاصله بعد از برنامه کافه به فاصله چند هفته و در مهرماه اردوی تشکیلاتی برای دانشجویانی که جذب شده بودند برگزار شد. حدود ۲،۳ نفر از هر دانشکده. مخاطبان این اردو اعضای کادر بسیج با دست باز انتخاب شدند یعنی افرادی که کمی هم تمایل به فعالیت در بسیج نشان داده بودند در شناسایی‌های اولیه به این اردو دعوت شدند. این یک اردوی آموزشی بود که مشترک با برادران برگزار شد البته محتوا و اجرائیات دو اردو کاملاً از هم مستقل بوده است. برنامه‌های جدیدی در این اردو در نظر گرفته میشود. از جمله اینکه به افراد گفته شده شما همه خادم امام رضا علیه السلام هستید در نتیجه در کارها همه کمک می‌کردند همه سفره پهن می‌کردند و جمع می‌کردند و همه با همکاری یکدیگر در هر وعده غذایی غذاهای اضافه را بسته بندی می‌کردند و به دست نیازمندان اطراف حرف می‌رساندند. این تجربه بسیار ویژه‌ای بوده چون در سالهای گذشته این مقدار همکاری بین شرکت کنندگان اردو دیده نمیشده بعلاوه تقسیم غذا بین نیازمندان سبب شد که نگاه دانشجویان (که عده‌ای شان دانشجویان ورودی علاقه مند به فعالیت در بسیج بودند) به بسیج تغییر کند و تصور یک تشکل صرفاً سیاسی در ذهنشان اصلاح شود. همچنین در این اردو کارهای جمعی از جمله آشپزی انجام گرفته است. بعلاوه در این اردو از استادی دعوت میشود که در هر سه روز سخنرانی در موضوع جایگاه زن و آرامش داشته باشند. ابتدا بعضی اعضا احساس می‌کردند شاید استقبال کافی از این برنامه نشود ولی مسئول خواهران با شناختی که از استاد داشتند برنامه را برنامه موفق می‌دیدند. این استاد ابتدا از بحث ازدواج شروع میکنند و در روزهای بعد بحث نقش آفرینی زن در جامعه و نهایتاً موضوع را به الگو گیری از حضرت زهرا سلام الله علیها و خطبه فدکیه پیوند میدهند که باز خورد دانشجویان از این برنامه در اردو بسیار خوب بوده است.

در این اردو یک برنامه مطالعاتی گذاشته میشود بر مبنای کتاب «کار باید تشکیلاتی باشد» به این صورت که همه اعضا باید این کتاب را میخواندند و در اردو گروه بندی میشدند. اعضای گروه از پیش تعیین شده بود و با

برنامه ریزی قبلی افرادی که با هم اختلاف داشتند در یک گروه دسته بندی شدند. گروه های ۰ نفره و مسابقه ای به این صورت برگزار میشود که هر گروه بهترین ارائه را از این کتاب انجام دهد برنده است. به همین شکل افرادی که حتی با هم اختلاف داشتند در بازه زمانی ۵ ساعت با یکدیگر نهایت همکاری را میکنند تا بهترین ارائه را داشته باشند و همه افراد حاضر در اردو از این برنامه به شدت استقبال کردند و بعد از اردو راضی بودند. بخشی از هدف این برنامه حفظ انسجام بین اعضای بسیج بوده است که به خوبی محقق میشود. یک نکته این است که دانشجویان مذهبی تمایل کمی به حضور در بسیج دارند به این علت که تصور میکنند بسیج به درد زندگی آینده آنها نمیخورد از جهت زندگی خانوادگی.

دانشگاه ملی گیلان

به فکر بودیم که چطور اردویی داشته باشیم که خواهران خاص را جذب کند. چون اردوی تفریحی همه را جذب می کند اما به دنبال افراد خاص در مجموعه دانشکده ها می گشتیم. منظور از افراد خاص دانشجویانی بودند که تمایل به فعالیت در بسیج داشته باشند تا حدی دغدغه مند باشند و پایه های فکری و عقیدتی نسبتا قوی داشته باشند. میخواستیم چنین افرادی را شناسایی کنیم، بیشتر با آنها ارتباط بگیریم و کم کم آنها را وارد کادر بسیج کنیم. بنابراین اردوی قم برگزار کردیم چون برآورد این بود که در اردوی قم، بیشتر همان افراد خاص ثبت نام می کنند. ما اردوی های دیگری هم داریم. مثلا اردو های تفریحی که برای جذب بچه های عام تر برگزار میشود و این جذب هم اتفاق می افتد. یا اردوی مشهد. که در اردوی مشهد هم از همه قشر دانشجوی معمولا شرکت میکنند. اما در بین همه گزینه ها برای اردو، قم گزینه ای بود که احتمالا بیشتر مورد استقبال قشر خاصی که مد نظر ما بودند قرار میگرفت.

از قبل تا حدی این بچه های خاص را شناسایی کرده بودیم. یک لیست اسامی از اتحادیه انجمن های اسلامی مقطع دبیرستان شهرمان گرفتیم، بخشی از افراد را اینگونه شناختیم و برخی هم خودشان برای عضویت و فعالیت به بسیج مراجعه کردند. این افراد را به طور خاص به اردو دعوت کردیم.

یک اتوبوس از افراد چادری قشر خاص که دنبال کار تشکیلاتی بودند بردیم. سفر یک روزه. یعنی از هر دانشکده پنج یا شش نفر

چون اردو یک روزه بود خیلی برنامه ها را سنگین در نظر نگرفتیم. زیارت حرم حضرت معصومه سلام ا... علیها، سرزدن به مزار شهدا، صحبت و توضیح درباره مسائل تشکیلاتی به زبان ساده و معرفی افراد و ساختارهای بسیج و همچنین انجام بازی های تشکیلاتی و مدیریتی از برنامه های این اردو بود. در طول اردو با کنار بچه ها بودن، رفاقت و صمیمیت با آنها، دادن آزادی عمل و این قبیل مسائل سعی کردیم ارتباط موثری با آنها بگیریم و الحمدلله همین موارد برای جذب کافی بود و اکنون غالب آنها در حال فعالیت در دفاتر بسیج ما هستند. حتی در نظر داریم که یکی از همین بچه ها در همین سال اول به عنوان نیروی رسانه ای وارد شورای مرکزی کنیم.

زمان کم اردو ما را به این نتیجه رساند که فشرده کار کردن گاهی اثر نمیگذارد و اصلاً همین آزاد گذاشتن بچه ها خیلی بازخورد بهتری خواهد داشت.

در حال حاضر میتوان گفت %۸۰ جذب شدند و %۶۰ داخل کادر دفاتر ما در حال فعالیت اند. یکی از بچه های کادر مسئول بازی های تشکیلاتی بود. مثلاً یکی از این بازی ها به این صورت بود که روی کاغذ اسامی مسئولیت های بسیج را مینوشتیم و بچه ها به قید قرعه انتخاب میکردند و نقش بازی میکردند. اردو نقطه ضعف خاصی نداشت اما اگر بخواهیم اردوی مشابهی برگزار کنیم روی بازی ها سرمایه گذاری بیشتری میکنیم چون تاثیر خوبی دارد.





یک ویژگی روحی مهم دختران جوان نیاز به حمایت است؛ هر چند در ظاهر خیلی ادعای استقلال داشته باشند. به خصوص در ابتدای ورود به دانشگاه که همه دانشجویان با مسائل جدید و متنوعی مواجه اند، دختران از حضور یک پشتیبان استقبال میکنند و حقیقتاً به دنبال یک نقطه پناه هستند.

در بزنگاه ها دست دختران را بگیرید و حامی آنها باشید. واقعاً از روی دلسوزی به ایشان کمک کنید و این حس شما خالصانه و از روی نوع دوستی باشد نه نمایشی! مطمئن باشید که شما را فراموش نخواهند کرد....

